



Administrative Court in Iran's Industrial Property System: with a View to U.S. Law

Amir Hossein ShahMohammadi¹ | Badie Fathi²

1. Ph.D. Student of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), amirhoseinlaw@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Private and Economic Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. badie.fathi@atu.ac.ir

Article Info

Article type:
Scientific

Received:
2025/07/02

Received in revised form:
2025/07/26

Accepted:
2025/09/17

Keywords:

Commission for the Adjudication of Industrial Property Disputes, Article 23 Commission, Administrative Court, Trademark, Patent.

Abstract

The "Commission for the Adjudication of Industrial Property Disputes," established under Article 23 of the Industrial Property Protection Act 2024, is considered an innovation of this law, formed with the aim of fundamentally transforming the resolution of disputes related to industrial property registration in Iran. This specialized tribunal seeks to enhance efficiency and speed in adjudicating objections related to the registration of patents, industrial designs, trademarks, and other industrial property rights, while ensuring fair trial standards and transparency. This article analyzes the legislative history, structure, composition, procedural norms, and jurisdictions of the Commission, addressing key challenges such as institutional independence, conflicts of interest, the establishment of multiple branches, and legal gaps. To provide a deeper understanding of the role of the "administrative court in Iran's industrial property system," previous laws and regulations have been analyzed as needed, with references, where possible, to corresponding administrative tribunals in the United States in terms of structure, composition, and jurisdiction. The findings indicate that insufficient independence, lack of mechanisms for ensuring uniformity of practice, and significant ambiguities regarding the Commission's jurisdiction and procedural rules are major obstacles to its effectiveness and efficiency, which are analyzed in this paper. Finally, recommendations such as drafting clear rules for the appointment and removal of members, ensuring institutional independence, and establishing a supreme council for uniformity of practice are proposed to transform this tribunal into an efficient and leading model within Iran's administrative court system.

How To Cite

ShahMohammadi, AmirHossein, Fathi, Badie. (2025). Administrative Court in Iran's Industrial Property System: with a View to U.S. Law. *Journal of Judgment*, 123(3), 43-74.
<http://doi.org/10.22034/judg.2025.2064451.1513>

DOI

[10.22034/judg.2025.2064451.1513](https://doi.org/10.22034/judg.2025.2064451.1513)

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province



دادگاه اداری در نظام مالکیت صنعتی ایران؛ با نگاهی به حقوق آمریکا

امیر حسین شاه‌محمدی^۱ | بدیع فتحی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)، رایانامه: amirhoseinlaw@yahoo.com
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی و اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
رایانامه: badie.fathi@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱	«هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی» موضوع ماده ۲۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ به‌عنوان یک دادگاه اداری از نوآوری‌های این قانون محسوب می‌شود که با هدف ایجاد تحولی بنیادین در حل و فصل اختلافات مربوط به ثبت مالکیت صنعتی در ایران تشکیل شده است. این مرجع تخصصی تلاش دارد کارآمدی و سرعت در رسیدگی به اعتراضات مرتبط با ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری و سایر حقوق مالکیت صنعتی را ارتقا بخشد و از سویی، استانداردهای دادرسی منصفانه و شفافیت را تضمین کند. مقاله حاضر با تحلیل سابقه تقنینی، ساختار، ترکیب، هنجارهای آیین دادرسی و صلاحیت‌های هیئت مذکور، مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با استقلال نهادی، تعارض منافع، تشکیل شعب متعدد و خلأهای قانونی را بررسی کرده است. به‌منظور درک عمیق‌تر جایگاه «دادگاه اداری در نظام مالکیت صنعتی ایران»، قوانین و مقررات پیشین نیز به‌فراخور نیاز تحلیل شده‌اند و حتی الامکان به دادگاه‌های اداری متناظر در ایالات متحده آمریکا از حیث ساختار، ترکیب و صلاحیت اشاره شده است. بر اساس یافته‌ها فقدان استقلال کافی، نبود سازوکار وحدت رویه و ابهامات بسیار در حدود صلاحیت و آیین دادرسی هیئت، از موانع اصلی اثربخشی و کارآمدی هیئت تلقی می‌شوند که در این نوشته تحلیل شده است. سرانجام، پیشنهادهایی مانند تدوین قواعد شفاف برای انتصاب و عزل اعضا، تضمین استقلال نهادی و تشکیل شورای عالی برای وحدت رویه ارائه شده است تا این مرجع به‌الگوئی کارآمد و پیشرو در نظام دادگاه‌های اداری ایران تبدیل شود.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶	
کلیدواژه: هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی، هیئت ماده ۲۳، دادگاه اداری، علامت تجاری، حق اختراع.	
استناد	شاه‌محمدی، امیر حسین، فتحی، بدیع. (۱۴۰۴). دادگاه اداری در نظام مالکیت صنعتی ایران؛ با نگاهی به حقوق آمریکا، فصلنامه قضاوت، ۲۳(۳)، ۷۴-۹۴.
	http://doi.org/10.22034/judg.2025.2064451.1513
DOI	10.22034/judg.2025.2064451.1513
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

گسترش فزایندهٔ مصادیق مالکیت صنعتی در دهه‌های اخیر، مباحث مرتبط با ثبت و حمایت حقوقی از دارایی‌های فکری را به کانون تحولات بنیادین در نظام‌های حقوقی تبدیل کرده است. در این میان، کارآمدی و بی‌طرفی مراجع حل اختلاف، ضروری برای تداوم، اثربخشی و اعتماد به نظام ثبت مالکیت صنعتی هستند. قوانین و مقررات پیشین ایران عمدتاً رویکردی پراکنده و گاه مبهم در تعیین مراجع اداری یا قضایی برای رسیدگی به اختلافات راجع به ثبت مالکیت صنعتی داشتند، اما قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ با تأسیس «هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی»، گامی بنیادین در راستای رفع این خلأ برداشته است. با وجود این، تثبیت جایگاه این هیئت خود زایندهٔ پرسش‌ها و چالش‌هایی چندلایه است، از جمله:

آیا این هیئت استقلال نهادی و مصونیت کافی در برابر فشارهای اداری و تأثیر ذی‌نفعان دولتی را دارد یا نوعی وابستگی ساختاری همچنان بر آن سایه می‌افکند؟ سازوکار انتصاب، مدت خدمت و معیارهای تخصصی و اخلاقی اعضای هیئت تا چه اندازه تضمین‌گر بی‌طرفی و کارآمدی نظام حل اختلاف ثبت مالکیت صنعتی خواهد بود؟ آیا ترکیب فعلی اعضای هیئت و غیبت قضات شاغل سیستم قضایی در آن، می‌تواند پاسخ‌گوی ماهیت ترافعی بعضی از اختلافات عمده در حوزه مالکیت صنعتی باشد؟ تشکیل شعب متعدد و فقدان وحدت رویه در اتخاذ تصمیمات هیئت، چه تأثیری در امنیت حقوقی و قدرت پیش‌بینی کسب‌وکارها می‌گذارد؟ حدود صلاحیت و آیین دادرسی هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی چیست؟ چه تشریفات و اصولی در رسیدگی‌های این هیئت می‌بایست رعایت شود؟

در ادامه، در تلاشی نظام‌مند، سیر تاریخی شکل‌گیری، ساختار، کارکرد، صلاحیت‌ها و آیین دادرسی هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی واکاوی می‌شود و با نقد و بررسی چالش‌های پیش رو و تحلیل همه‌جانبهٔ حدود صلاحیت و آیین دادرسی هیئت، راهکارهایی عملی برای تضمین سلامت، کارآمدی و اقتدار آن در زیست‌بوم مالکیت فکری ایران ارائه خواهد شد. سعی می‌شود تا اغلب ابهامات قانونی در خصوص صلاحیت‌ها، تشریفات و آیین دادرسی هیئت (از جمله خواهان رسیدگی، محدودهٔ رسیدگی، تصمیم‌گیری هیئت، اجرای رأی هیئت، نحوهٔ ابلاغ، اثر تعلیقی، فراغ اعضا، رد اعضا و آیین اعتراض به تصمیمات هیئت) بررسی موشکافانه شود تا این پژوهش بتواند چراغ راهی برای پژوهشگران و حقوق‌دانان باشد. در زمان نگارش این مقاله، هنوز آیین‌نامهٔ اجرایی قانون جدید موضوع مادهٔ ۱۴۹ تصویب نشده است^۱ و از این رو فرصت مناسبی

۱. براساس مادهٔ ۱۴۹ قانون حمایت از مالکیت صنعتی تا زمان تصویب آیین‌نامهٔ اجرایی قانون جدید، آیین‌نامهٔ اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷ در حدودی که مغایر با این قانون نباشد، مجری است.

خواهد بود که بسیاری از کاستی‌های قانون جدید در چهارچوب آیین‌نامه اجرایی برطرف شود. ارزش افزوده پژوهش حاضر، تأکید بر اهمیت هم‌گرایی با قواعد دادرسی، استانداردهای بین‌المللی و انتقال تجارب تطبیقی است تا نظام حقوق مالکیت صنعتی کشور، با حفظ هویت بومی، در مسیر پیشرفت جهانی گام نهد. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از طریق کتابخانه‌ای بوده و پردازش آن با رویکرد توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته است.

۱. سابقه تقنینی: گذار از پراکندگی به تمرکز و تخصص

هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی موضوع ماده ۲۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ از مهم‌ترین نوآوری‌های این قانون به شمار می‌رود که همانند آن در قانون‌های نسخ‌شده سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۱۰ و ۱۳۸۶ وجود نداشت. در قانون علامات صنعتی و تجارتي مصوب ۱۳۰۴، به‌طور کلی قابلیت اعتراض به تصمیمات مرجع ثبت پیش‌بینی نشده بود. قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ ضمن پیش‌بینی قابلیت اعتراض به تصمیم مرجع ثبت مبنی بر رد اظهارنامه‌های علائم تجاری و اختراعات در ماده‌های ۷ و ۳۱، مرجع اعتراض را «محکمه اول ابتدایی طهران» مقرر داشته بود.^۱

در قانون سال ۱۳۸۶ نیز اثری از پیش‌بینی مرجع اداری برای رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به تصمیمات مرجع ثبت وجود نداشت. البته در ماده ۳۷ قانون مذکور در فصل سوم ذیل مقررات مربوط به «علائم تجاری، علائم جمعی و نام‌های تجاری»، قابلیت اعتراض اشخاص ثالث به تقاضای ثبت علامت تجاری پیش‌بینی و تشریفات آن مقرر شده بود، اما هیچ اثری از پی‌ریزی مرجع اداری اختصاصی‌ای برای رسیدگی به این اعتراضات در آن ماده نیز دیده نمی‌شود و تصمیم‌گیری در خصوص اعتراض اشخاص ثالث بر عهده اداره مالکیت صنعتی قرار گرفته بود.^۲

۱. ماده ۷ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰: «... در صورتی که تقاضای ثبت رد شود علل رد باید صریحاً ذکر گردد. تقاضاکننده می‌تواند از تصمیم رد تا ده روز از تاریخ ابلاغ آن به رئیس محکمه اول ابتدایی طهران شکایت کند. حکم محکمه قابل استیناف و تمییز خواهد بود».

۲. ماده ۳۱ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰: «مفاد مواد ۶ و ۷ و ۸ این قانون در مورد تقاضای ثبت اختراع نیز رعایت خواهد شد».

۳. ماده ۳۷ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶: «هر ذی‌نفع می‌تواند حداکثر تا سی روز از تاریخ انتشار آگهی، اعتراض خود را مبنی بر عدم رعایت مفاد بند (الف) ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون به اداره مالکیت صنعتی تسلیم نماید. در این صورت: ۱- اداره مالکیت صنعتی رونوشت اعتراض‌نامه را به متقاضی ابلاغ کرده و بیست روز به او مهلت می‌دهد تا نظر خود را اعلام کند. متقاضی در صورت تأکید بر تقاضای خود یادداشت متقابلی را به‌همراه استدلال مربوط به اداره مذکور می‌فرستد. در غیر این صورت اظهارنامه‌وی مستردشده تلقی خواهد شد. ۲- اگر متقاضی یادداشت متقابلی بفرستد، اداره مالکیت صنعتی رونوشت آن را در اختیار معترض

حدود یک سال بعد، در راستای اجرای بند «ح» ماده ۱۷ و ماده ۵۸ از قانون مذکور، به موجب ماده ۱۷۰ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۷، مرجع اداری اختصاصی شبه‌قضایی^۱ و البته فراقانونی‌ای^۲ تشکیل شد که عهده‌دار رسیدگی به اعتراض متقاضیان به تصمیمات مرجع ثبت و اعتراض اشخاص ثالث به تقاضای ثبت علائم تجاری (موضوع ماده ۳۷ قانون ۱۳۸۶) و البته تجویز صدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک اختراع موضوع بند «ح» ماده ۱۷ قانون مذکور شد. به نظر برخی نویسندگان، اگرچه پیش‌بینی نهاد شبه‌قضایی کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ در راستای سیاست قضازدایی قابل دفاع است، لیکن بند «ح» ماده ۱۷ و ماده ۵۸ قانون سال ۱۳۸۶ این ظرفیت و قابلیت را نداشته است که بتوان به استناد آن، چنین کمیسینی را تأسیس کرد (میرحسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۷).

هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی موضوع ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. مصوب ۱۴۰۳ نوآوری‌ای قانونی به شمار می‌آید. این مرجع در واقع مرجعی نظیر همان کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷ است که این بار در خود قانون پیش‌بینی شده و تشکیلات، صلاحیت‌ها و آیین دادرسی آن با تغییرات چشمگیری نسبت به گذشته پی‌ریزی شده است. تغییر نام این مرجع از «کمیسیون» به «هیئت» نیز محصول تذکرات شورای نگهبان است.^۳ رویه قضایی نسبت به این تغییرات حساسیت نشان داده است. در پرونده‌ای که در شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در زمان حکومت قانون جدید مطرح

قرار می‌دهد و با در نظر گرفتن نظرات طرفین و مواد این قانون تصمیم می‌گیرد که علامت را ثبت و یا آن را رد کند».

۱. به نظر برخی نویسندگان، عنوان «مرجع شبه‌قضایی» جایگاه قانونی ندارد و بهتر است از همان نامی که قانون‌گذار [در قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰] برای این مراجع برگزیده است یعنی «مرجع غیرقضایی» استفاده شود (نهرینی، ۱۴۰۰: ۱۶۷). علاوه بر این، نویسندگان حقوق اداری استفاده از اصطلاح «دیوان‌های اداری» (Administrative Tribunals) را - به چند دلیل: اول اینکه لفظ دیوان عام‌تر از دادگاه است و تمامی نهادهای دادرسی را شامل می‌شود؛ دوم، این واژه متمایز از دادگاه‌های عمومی است و مانع اشتباه مفهومی می‌شود و سوم، به کار بردن یک عنوان مشخص به ایجاد انسجام در نظام دادرسی اداری کمک می‌کند - ترجیح داده‌اند. از نظر این نویسندگان، دیوان‌های اداری نهادهای ترافعی هستند که به موجب قوانین و مقررات در خارج از سلسله‌مراتب دادگاه‌ها و با ماهیت کار شبه‌قضایی درون دستگاه‌های اجرایی و مجامع صنفی به دعاوی با ماهیت خاص اداری به صورت اختصاصی رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌کنند. (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴ و ۷۶) برخی استادان حقوق اداری نیز، عنوان «دادگاه‌های اداری» را پیشنهاد کرده‌اند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۴۲۵).

۲. همان‌طور که تشکیل مراجع قضایی مانند دادگاه‌های دادگستری به حکم قانون صورت می‌گیرد، تشکیل و تأسیس مراجع قانونی و غیرقضایی [شبه‌قضایی] نیز متوقف و موقوف به نص و حکم قانونی است. به بیان دیگر، نمی‌توان با تصویب آیین‌نامه، تصویب‌نامه یا بخش‌نامه، به تشکیل و راه‌اندازی کمیسیون و هیئت و دادگاه اداری دست زد (نهرینی، ۱۴۰۰: ۱۶۷).

۳. نامه شماره ۱۰۲/۳۲۹۸۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ قائم مقام دبیر شورای نگهبان به ریاست مجلس شورای اسلامی.

شده است، خواهان دعوایی به خواسته ابطال تصمیم کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آیین نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ مطرح کرده بود، در حالی که تصمیم مذکور در تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۶ از سوی هیئت موضوع ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. مصوب ۱۴۰۳ صادر شده بود. نهایتاً دادگاه به علت مطرح نکردن دعوا به نحو صحیح و قانونی، قرار عدم استماع صادر کرد. در متن رأی آمده است: «... از آنجا که تصمیم مورد اعتراض از سوی هیئت حل اختلاف موضوع ماده ۲۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ صادر شده است و خواهان تقاضای ابطال تصمیم کمیسیون ماده ۱۷۰ آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷ را درخواست نموده است، لذا دعوی به نحو صحیح و قانونی مطرح نشده، مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می گردد...»^۱. پس از تجدیدنظرخواهی از قرار مذکور، شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که «هر چند نام کمیسیون مذکور به هیئت موضوع ماده ۲۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی تغییر پیدا نمود است، ولی با توجه به اینکه کارکرد هر دو کمیسیون و اعضای آنها تغییری پیدا ننموده، اشتباه مذکور قابل مسامحه می باشد.» قرار عدم استماع صادره را نقض و پرونده را جهت رسیدگی ماهیتی به دادگاه بدوی اعاده نمود.^۲

۲. ساختار و تشکیلات

بر اساس ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. مصوب ۱۴۰۳ «هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی» متشکل از سه عضو به ریاست نماینده مرجع ثبت و دو کارشناس با تخصص مرتبط است.^۳ رئیس مرجع ثبت^۴ همه اعضای هیئت (اعم از رئیس هیئت و کارشناسان) را انتخاب می کند. اینکه هیئت با سه نفر تشکیل می شود، شفافیت امر را بالا می برد و نیز موجب جلوگیری از تمرکز قدرت می شود و در نتیجه، استقلال اعضا نیز افزایش می یابد. در بند ۳ ماده ۱۷۰ آیین نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ به صراحت امکان تعیین کارشناس خارج از سازمان پیش بینی شده بود، در حالی که در متن قانون جدید، این امر مسکوت است. به نظر برخی نویسندگان، کماکان امکان تعیین کارشناسان هیئت از خارج از سازمان نیز وجود دارد (سیدین و کارچانی، ۱۴۰۳: ۱۲۲).

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۳۲۰۲۷۰۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۸ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران (مجمع قضایی شهید بهشتی).

۲. دادنامه شماره ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۱۰۸۳۵۵۱۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۳. در زمان حکومت قانون سابق، مطابق با ماده ۱۷۰ آیین نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷، ترکیب کمیسیون متشکل از ۱- رئیس اداره ثبت اختراعات، طرح های صنعتی یا علائم تجاری (حسب مورد)؛ ۲- نماینده ای از طرف مدیرکل اداره کل مالکیت صنعتی (که طبق تبصره ۱ همین ماده، ریاست کمیسیون را نیز بر عهده داشت). و ۳- یک کارشناس یا متخصص بود.

۴. مرجع ثبت مالکیت صنعتی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است (ماده ۱۳۴ ق.ح.م.ص. مصوب ۱۴۰۳).

مبنای تشکیل این هیئت با ترکیب مذکور، فراهم ساختن امکان رسیدگی به اختلافات راجع به ثبت مالکیت صنعتی با هزینه‌های بسیار پایین‌تر و صدور آرای دقیق‌تر، منسجم‌تر و با سرعت بالاتر است. این هیئت با تمرکز بر اختلافات ثبت مالکیت صنعتی رسیدگی‌ها سریع‌تر و کارآمدتر مدیریت می‌کند که این امر به‌ویژه در حوزه‌ای که زمان و اصل سرعت در آن نقشی اساسی دارند، اهمیت بسزایی دارد. رسیدگی سریع و تخصصی به این اختلافات، علاوه بر آنکه هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی را برای کسب‌وکارها کاهش می‌دهد، به پیش‌بینی‌پذیری آینده تجاری منجر می‌شود که این امر از زیان‌های اقتصادی ناشی از تأخیر و بی‌ثباتی در حل و فصل اختلافات جلوگیری می‌کند و نهایتاً به گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در جامعه می‌انجامد.

انتصاب قضات دادگاه اداری از سوی رئیس سازمان مربوطه، یکی از چالش‌های اساسی در فرایند دادرسی و عملکرد دادگاه‌های اداری در ایران است. این موضوع به‌ویژه در مراجعی که پرونده‌های اقتصادی بارز به آن‌ها ارجاع می‌شوند باید با حساسیت بیشتری نگریده شود، زیرا اعضای که از سوی رؤسای بخش‌های همان سازمان منصوب می‌شوند، عمدتاً اقتدار خود را از این انتصاب می‌دانند، نه از قانون. درکل، استقلال مراجع اداری در صورتی تأمین می‌شود که نخست با سازمان اداری متبوع خود ارتباط سلسله‌مراتبی نداشته باشند؛ دوم، نهادی بی‌طرف نیز اعضای آن‌ها را منصوب و عزل کند؛ سوم اینکه باید شخصیت حقوقی مستقل از نهاد متبوع خود داشته باشند و ردیف بودجه مستقل برای آن‌ها پیش‌بینی شود؛ چهارم آنکه اعضا و مقامات رسیدگی‌کننده نباید در معرض فشار نهادها، دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و صنفی باشند و در روند رسیدگی، از مقامات اداری و عمومی دستور نگیرند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۸).

فقدان استقلال اعضای هیئت موضوع ماده ۲۳ و تعارض منافع ناشی از انتخاب آن‌ها از سوی رئیس مرجع ثبت، احتمال بی‌طرفی اعضا و استقلال کافی نداشتن در تصمیم‌گیری را به‌ویژه در مواردی که هیئت در مقام قضاوت راجع به اعتراض متقاضی به تصمیم مرجع ثبت است، پدید می‌آورد. به عبارت دیگر، بیم آن می‌رود که اعضای هیئت تابع نظر رئیس انتصاب‌کننده باشند تا مجری قانون.

در آمریکا در فاصله سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ میلادی، رئیس اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری^۲ اعضای هیئت را منصوب می‌کرد،^۳ اما پس از آن گفته شد که این امر خلاف قانون اساسی است

۱. استقلال و بی‌طرفی دادرس هم به لحاظ نهادی و هم شخصی، از اصول تضمین‌کننده دادرسی منصفانه است. برای مطالعه بیشتر بنگرید: (خندانی، ۱۴۰۰: ۱۰۳-۱۱۹)

2. United States Patent and Trademark Office (USPTO)

3. Intellectual Property and Communications Omnibus Reform Act of 1999 (Public Law No. 106-113), United States of America

(Duffy, 2009: 904-923) و لازمه حفظ حاکمیت قانون آن است که اعضای هیئت از سوی وزیر بازرگانی^۱ انتخاب شوند، نه رئیس اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری که معاون او محسوب می‌شود. اعضای هیئت موضوع ماده ۲۳ باید شرط وثاقت و امانت را داشته باشند. شرط وثاقت و امانت اعضای هیئت در مصوبه مجلس ذکر نشده بود و سپس با ایراد شورای نگهبان به متن قانون افزوده شد.^۲ و این دو شرط کلی هرچند از اصول اخلاقی خدمات عمومی به شمار می‌روند و می‌توانند موجب ارتقای اعتماد عمومی و کارآمدی و اثربخشی خدمات عمومی شوند، اما به تنهایی برای تضمین کارآمدی و اثربخشی کافی نیستند و بهتر بود معیارهایی مانند شرط سنی، تخصص، تجربه کاری در همان حوزه و موارد مشابه نیز لحاظ می‌شد. در آمریکا نیز قضات اداری رسیدگی‌کننده باید دانش حقوقی و صلاحیت‌های علمی لازم در زمینه ثبت علائم تجاری و اختراعات را دارا باشند.^۴ طبق ماده ۲۳، کارشناس رسیدگی‌کننده به پرونده بدون داشتن حق رأی، در جلسات حق حضور دارد، اما طبق تبصره ۲ از همین ماده نمی‌تواند در مورد همان موضوع به‌عنوان عضو هیئت انتخاب شود. هرچند که در رویه عملی کمیسیون ماده ۱۷۰ شاهد حضور برخی قضات باسابقه دادگستری بوده‌ایم (آزمندیان و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۷۳)، اما بهتر بود که در ترکیب هیئت، حضور حداقل یک قاضی دادگستری پیش‌بینی می‌شد، چراکه در بسیاری از موارد، هیئت مذکور در خصوص موضوعاتی تصمیم‌گیری می‌کند که امور ترافعی و قضایی هستند. برای نمونه، به‌موجب مواد ۳۰ و ۳۱ ق.ح.م.ص. هیئت موضوع ماده ۲۳ به ادعای حقوق مالکانه و غیر مالکانه اشخاص در زمینه مالکیت صنعتی رسیدگی می‌کند که این مسئله ماهیتاً به رسیدگی قضایی قاضی دادگستری با تحصیلات حقوقی نیاز دارد.

همچنین بر پایه تبصره ۴ ماده ۲۳، به تشخیص رئیس مرجع ثبت امکان تشکیل شعب متعدد و تعیین اعضای علی‌البدل برای هیئت وجود دارد.^۵ اینکه امکان تأسیس شعبه‌های متعدد در نظر

1. The Secretary of Commerce

۲. نامه شماره ۱۰۲/۲۹۷۰۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۳۰ قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به ریاست مجلس شورای اسلامی.
۳. در هیچ‌یک از مقررات آیین‌نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ به شرط وثاقت و امانت اعضای کمیسیون اشاره نشده بود و این شرط از نوآوری‌های قانون جدید است.

4. 35 U.S. Code § 6

۵. برخلاف «هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی» موضوع ماده ۲۳، در ترکیب «هیئت تشخیص موارد پروانه بهره‌برداری اجباری» موضوع ماده ۴۰ همین قانون، یک قاضی متخصص با تعیین رئیس قوه قضائیه پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۵۰ قانون مذکور، تصمیم‌گیری هیئت موضوع ماده ۴۰ با اکثریت آرای حاضران هیئت که عضو قاضی جزو آن باشد، انجام می‌شود. در این صورت می‌توان گفت که رأی منفی قاضی تداعی‌کننده نوعی حق وتو است که می‌تواند رأی اکثریت را از کارایی ببنداند.
۶. به‌رغم آنکه در مقررات آیین‌نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ امکان تعدد شعب پیش‌بینی نشده بود، اما در رویه ثبتی، کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ شعب متعدد داشت.

گرفته شده است، ناشی از دغدغه اطلاع دادرسی و رعایت اصل سرعت در رسیدگی است؛ با این حال، این امر خطری جدی دارد زیرا اتخاذ رویه‌ها و تفسیرهای مختلف انسجام در اعمال قانون را که لازمه ایجاد نظام حقوقی است، مختل می‌کند. درحقیقت ممکن است موضوعاتی مشابه در دو شعبه هیئت مطرح شوند و هیئت تصمیم‌های گوناگونی بگیرد. در این صورت، روشن است که نظم حقوقی واحدی شکل نمی‌گیرد و می‌تواند تبعات منفی‌ای در بازار و اقتصاد داشته باشد.

در آمریکا، «هیئت محاکمه و تجدیدنظر اختراعات»^۱ و «هیئت محاکمه و تجدیدنظر علائم تجاری»^۲ در اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری به ترتیب مسئول رسیدگی به اختلافات و اعتراضات مرتبط با اختراعات و علائم تجاری هستند. هیئت محاکمه و تجدیدنظر اختراعات از رئیس کل USPTO،^۳ معاون وی،^۴ رئیس اداره اختراعات،^۵ رئیس اداره علائم تجاری^۶ و تعداد بسیاری قاضی اداری اختراع^۷ تشکیل شده است که وزیر بازرگانی آن‌ها را منصوب می‌کند، اما هر پرونده را معمولاً پنبلی متشکل از حداقل سه قاضی اداری اختراع رسیدگی می‌کنند.^۸ هیئت محاکمه و تجدیدنظر علائم تجاری نیز از قضات اداری علائم تجاری تشکیل شده است که وزیر بازرگانی آن‌ها را منصوب می‌کند و پرونده‌ها در پنبل‌های حداقل سه نفره رسیدگی می‌شوند.^۹ این هیئت‌ها به صورت متمرکز در دفتر اصلی USPTO فعالیت می‌کنند و شعبه‌های ثابت جداگانه ندارند. رئیس قاضی هر هیئت^{۱۰} مسئولیت تشکیل پنبل‌ها را بر اساس تخصص و نیاز پرونده بر عهده دارد.^{۱۱}

در قانون ایران، در خصوص نحوه عزل و مدت مأموریت اعضای هیئت سخنی گفته نشده است و بی‌گمان رئیس مرجع ثبت مقام ناصب است که اختیار عزل اعضا را نیز دارد، اما بهتر بود با توجه به لزوم حفظ استقلال اعضا و جلوگیری از فشارهای اجرایی و اداری، دوره خدمت اعضا تضمین می‌شد و عزل آن‌ها از سوی مرجع مستقلی صورت می‌پذیرفت. در آمریکا نیز مدت انتصاب اعضا ذکر نشده است و در عمل تا زمان بازنشستگی یا استعفا یا عزل مأموریت دارند. عزل اعضا حتی از سوی وزیر نیز به سادگی امکان‌پذیر نیست و مستلزم تشریفات قانونی، رعایت دادرسی منصفانه و

1. Patent Trial and Appeal Board (PTAB)

2. Trademark Trial and Appeal Board (TTAB)

3. The Director

4. The Deputy Director

5. The Commissioner for Patents

6. The Commissioner for Trademarks

7. The Administrative Patent Judges (APJs)

8. 35 U.S. Code § 6 - Patent Trial and Appeal Board

9. 15 U.S. Code § 1067 - Trademark Trial and Appeal Board

10. Chief Judge

11. 37 C.F.R. § 41.4(a) - 37 C.F.R. § 2.129(c)

وجود جهات قانونی خواهد بود.^۱ این موضوع مانع از سیاسی شدن یا فشار مقطعی بر بدنه دادرسی می شود و استقلال و ثبات و تخصص را حفظ می کند (Thomas, 2021: 37-39).

۳. قلمرو صلاحیت

با بررسی قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ می توان صلاحیت های هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی را به شش دسته کلی تقسیم بندی کرد. برخی از این صلاحیت ها مشترک با صلاحیت های کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آیین نامه اجرایی قانون قدیم و بعضی دیگر از نوآوری های قانون جدید محسوب می شوند که در زمان حکومت قانون پیشین اثری از آنها نبوده است.

۳-۱. رسیدگی به اعتراض به رد اظهارنامه از مرجع ثبت

در صورتی که اظهارنامه ثبت اختراع، نمونه شی مصرفی، طرح صنعتی، علامت تجاری و یا نام تجاری بر اساس مقررات تنظیم نشده باشد و یا اینکه ناقص باشد و متقاضی پس از اخطار رفع نقص در مهلت مقرر قانونی رفع نقص نکند، رد می شود. در این صورت، رسیدگی به اعتراض به تصمیم مرجع ثبت مبنی بر رد اظهارنامه در صلاحیت هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی است. چنین صلاحیتی در زمان حکومت قانون سابق نیز برای کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آیین نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ صرفاً در خصوص اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری وجود داشت.^۲

بر اساس مواد ۲۳، ۸۹، ۱۰۳ و ۱۲۰ ق.ح.م.ص. مهلت اعتراض به تصمیم مرجع ثبت مبنی بر رد اظهارنامه یک ماه است، به جز در مورد نمونه شی مصرفی که در خصوص آن ابهام وجود دارد. مطابق با تبصره یک ماده ۸۱ کلیه مهلت های مربوط به «ثبت» نمونه شی مصرفی (به جز مواعید ۱۰ روزه)، نصف مواعید ذکر شده در مورد فرایند «ثبت» اختراعات است. اگر «اعتراض» به رد اظهارنامه را جزو فرایند ثبتی بدانیم، مهلت اعتراض ۱۵ روز خواهد بود و اگر اعتراض را جزو فرایند ثبت ندانیم، مهلت اعتراض همان یک ماه خواهد بود. به نظر نگارندگان، فرایند اعتراض جزویی از فرایند ثبت و اعتراض صرفاً مانعی موقتی برای آن است؛ بنابراین مهلت اعتراض به تصمیم مرجع ثبت مبنی بر رد اظهارنامه نمونه شی مصرفی ۱۵ روز است.

1. 5 U.S. Code § 3105 - Appointment of administrative law judges

۲. مواد ۵۸، ۱۰۰ و ۱۲۱ آیین نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷.

۳-۲. رسیدگی به اعتراض به اخطار رفع نقص صادره از مرجع ثبت

یکی از نوآوری‌های قانون کنونی، امکان اعتراض متقاضی ثبت به تصمیم مرجع ثبت مبنی بر «رفع نقص» است. اگر مرجع ثبت اظهارنامه ثبت اختراع، نمونه شی مصرفی، طرح صنعتی، علامت تجاری و یا نام تجاری را ناقص تشخیص دهد، موارد رفع نقص را به صورت مستدل و مستند به متقاضی یا نماینده قانونی وی ابلاغ می‌کند. چنانچه متقاضی ثبت تصمیم مرجع ثبت را نادرست بداند، می‌تواند ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ، به این تصمیم اعتراض کند. رسیدگی به این اعتراض در صلاحیت «هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی» است.

این در حالی است که در آیین‌نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷، به‌رغم پیش‌بینی امکان رفع نقص از اظهارنامه طرح صنعتی و علامت تجاری به ترتیب در مواد ۸۳ و ۱۱۹، اثری از قابلیت اعتراض به تصمیم مرجع ثبتی مبنی بر رفع نقص وجود نداشت. حتی در اصلاحات آیین‌نامه در سال ۱۳۹۲، امکان رفع نقص در مورد اظهارنامه اختراعات حذف شد و در نسخه اصلاحی ماده ۲۸ نیز این موضوع لحاظ نشد!

با این نوآوری، اگر متقاضی یک بار به تصمیم مرجع ثبت مبنی بر «رفع نقص» اعتراض کند و اعتراض ایشان در هیئت موضوع ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. پذیرفته شود، در صورت رد اظهارنامه، بار دیگر نیز می‌تواند به تصمیم مرجع ثبت مبنی بر رد اظهارنامه در هیئت مذکور اعتراض کند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تصمیم مرجع ثبت مبنی بر رد اظهارنامه در هر صورت قابل اعتراض در هیئت است، دیگر پیش‌بینی امکان اعتراض به اخطار رفع نقص ضرورتی نداشت و قانون‌گذار در این زمینه دچار افراط شده است و این موضوع در نهایت به طولانی شدن فرایند ثبت منجر خواهد شد. در آمریکا نیز امکان اعتراض به اخطار رفع نقص در هیئت محاکمه و تجدیدنظر اختراعات و هیئت محاکمه و تجدیدنظر علائم تجاری پیش‌بینی نشده است^۱ (Thomas, 2021: 49).

۳-۳. رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع نسبت به استرداد اظهارنامه

یکی دیگر از صلاحیت‌های هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی، رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع نسبت به استرداد اظهارنامه ثبت اختراع، نمونه شی مصرفی و طرح صنعتی است.^۲ این مورد نیز از نوآوری‌های قانون جدید به شمار می‌رود و در زمان حکومت قانون سابق، چنین صلاحیتی

1.37 C.F.R. § 1.181& 37 C.F.R. § 2.146

۲. امکان استرداد اظهارنامه صرفاً تا قبل از صدور گواهی‌نامه ثبت میسر است. بدیهی است که پس از صدور گواهی‌نامه ثبت، مالک می‌تواند از مایملک خود بر اساس ماده ۶۴ ق.ح.م.ص. «اعراض» کند.

برای کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آیین نامه اجرایی قانون قدیم پیش بینی نشده بود.^۱ بر اساس ماده ۲۵ ق.م.ح.ص. در صورتی که حقوق اظهارنامه به شخص ثالث واگذار شده باشد، استرداد اظهارنامه ممکن نیست و در صورت استرداد، ذی نفع می تواند اعتراض خود را در هیئت مذکور طرح کند. به نظر می رسد منظور از واگذاری حقوق اظهارنامه، «انتقال حقوق مادی (اقتصادی)» موضوع ماده ۵۷ ق.م.ح.ص. است. متأسفانه قانون مهلت اعتراض ذی نفع در هیئت را مشخص نکرده که قابل نقد است. در حقوق آمریکا، امکان اعتراض ذی نفع مستقلاً به استرداد اظهارنامه پیش بینی نشده است.

قانون گذار برای ذی نفع امکان استرداد اظهارنامه و اعتراض به آن را صرفاً در ثبت اختراع (ماده ۲۵)، نمونه شی مصرفی (ماده ۸۱) و طرح صنعتی (ماده ۹۴) پیش بینی کرده است و در خصوص علائم و نام های تجاری ساکت است که به نظر می رسد توجیه منطقی ندارد، چراکه ذات علائم و نام های تجاری از این حیث تفاوتی با دارایی های مذکور ندارد که بخواهد حکمی متفاوت داشته باشد. با آنکه استرداد اظهارنامه علائم و نام های تجاری پیش از ثبت در قانون نادیده گرفته شده است، اما با توجه به اصل تسلط که در دادرسی اداری نیز هست، بی تردید این امکان برای متقاضی وجود دارد و متقاضی می تواند مادام که گواهی نامه ثبت صادر نشده است، اظهارنامه خود را مسترد دارد. با این حال در امکان اعتراض ذی نفع به استرداد اظهارنامه ثبت علامت و نام تجاری با توجه به سکوت قانون گذار، تردید وجود دارد.^۲

۳-۴. رسیدگی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به پذیرش اظهارنامه ثبت

یکی دیگر از مهم ترین صلاحیت های هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی، رسیدگی به اعتراض اشخاص ثالث به پذیرش اظهارنامه ثبت اختراع، نمونه شی مصرفی، طرح صنعتی، علامت تجاری، نام تجاری و نشانه جغرافیایی^۳ است. بر اساس مواد ۲۸ الی ۳۱ ق.م.ح.ص. پس از پذیرش اظهارنامه ثبتی از سوی مرجع ثبت و انتشار آن، اشخاص ثالث می توانند به پذیرش اظهارنامه اعتراض

۱. مواد ۷، ۲۶ و ۳۵ ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۶ و مواد ۲۴، ۷۹ و ۱۱۶ آیین نامه اجرایی آن، به طور کلی قابلیت استرداد اظهارنامه از سوی متقاضی را پیش بینی کرده بود، اما برای ذی نفع امکان اعتراض به استرداد اظهارنامه در زمان حکومت قانون قدیم وجود نداشت.

۲. چراکه مراجع استثنائی (اختصاصی) در برابر مراجع عمومی، صرفاً صلاحیت رسیدگی به اموری را دارند که صراحتاً در صلاحیت آن ها قرار گرفته است. با توجه به اینکه اصل بر صلاحیت مراجع عمومی است و صلاحیت مراجع استثنائی، استثنا شمرده می شود، مقررات مربوط به موارد صلاحیت مراجع استثنائی باید در موضع نص تفسیر شود. علاوه بر این، مرجع استثنائی در تمام آرای که صادر می کند باید به نصی که رسیدگی به موضوع را در صلاحیت آن قرار داده است، استناد کند، حتی اگر ایراد عدم صلاحیت نشده باشد (شمس، ۱۳۹۶: ۷۰).

۳. ماده ۹ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳.

کند و مانع از ثبت مالکیت صنعتی شوند. رسیدگی به این اعتراض نیز در صلاحیت هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی است. در صورتی که معترض مدعی وجود حقی برای خود نسبت به مالکیت صنعتی تقاضا شده باشد، می‌بایست علاوه بر اعتراض، اظهارنامه را نیز ثبت کند.^۱

مهلت اعتراض اشخاص ثالث به پذیرش اظهارنامه اختراع نه ماه (ماده ۲۹)، اظهارنامه طرح صنعتی دو ماه (ماده ۹۱) و اظهارنامه علامت تجاری یک ماه (ماده ۱۰۳) است؛ اما در خصوص نمونه اشیای مصرفی و نام‌های تجاری مهلت اعتراض با ابهام مواجه است. در مورد نمونه اشیای مصرفی، به نظر نگارندگان از آنجایی که فرایند اعتراض جزوی از فرایند ثبت و اعتراض صرفاً مانعی موقتی برای ثبت است، بنابراین طبق تبصره ۱ ماده ۸۱، مهلت آن چهار و نیم ماه است. در زمینه نام‌های تجاری نیز ماده ۱۲۰ ق.ح.م.ص. صرفاً به مواد ۲۳ و ۲۸ الی ۳۲ اشاره کرده است که در این صورت به نظر می‌رسد می‌بایست مهلت اعتراض اشخاص ثالث به اظهارنامه ثبت نام تجاری را نه ماه قلمداد کرد!

۳-۵. رسیدگی به اعتراض متقاضی ثبت اختراع نسبت به عدم احراز شرایط ماهوی از مرجع ثبت

بر اساس ماده ۲۶ ق.ح.م.ص. در صورتی که اختراع مورد تقاضای ثبت، شرایط ماهوی حمایت از اختراع را نداشته نباشد و مرجع ثبت اظهارنامه متقاضی را رد کند، متقاضی می‌تواند ظرف یک ماه در هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی به تصمیم گرفته شده اعتراض کند.

در آمریکا، در صورتی که اظهارنامه ثبت اختراع یا علامت تجاری توسط USPTO رد شود، کارشناس دلایل رد را از طریق اخطار غیرنهایی^۲ یا اخطار نهایی^۳ به متقاضی ابلاغ می‌کند.^۴ متقاضی می‌تواند به اخطار غیرنهایی ظرف شش ماه پاسخ دهد^۵ یا پس از اخطار نهایی، ظرف شش ماه (قابل تمدید) در «هیئت محاکمه و تجدیدنظر اختراعات» یا «هیئت محاکمه و تجدیدنظر علائم تجاری» حسب مورد اعتراض کند^۶ (Thomas, 2021: 37-39).

۱. بنگرید به مواد ۳۰ و ۳۱ ق.ح.م.ص. مصوب ۱۴۰۳.

2. Non-Final Office Action

3. Final Office Action

4. 35 U.S.C. § 132(a); 15 U.S.C. § 1062(b)

۵. اخطار غیرنهایی اولین پاسخ کارشناس به اظهارنامه اختراع یا علامت تجاری است که نقص‌ها یا دلایل رد احتمالی را اعلام می‌کند و به متقاضی فرصت اصلاح یا دفاع ظرف شش ماه می‌دهد. اخطار نهایی پس از پاسخ متقاضی صادر می‌شود و موضع نهایی کارشناس را نشان می‌دهد که ممکن است شامل رد کامل یا بخشی از اظهارنامه باشد. 6. 37 C.F.R. § 1.111; 37 C.F.R. § 2.64

7. 35 U.S.C. § 134(a); 37 C.F.R. § 41.31; 15 U.S.C. § 1070, 2011; 37 C.F.R. § 2.141, 2023

۳-۶. رسیدگی به اظهارنامه ثبت اختراع در صورت پاسخ ندادن مرجع ثبت در مهلت مقرر قانونی

از دیگر صلاحیت‌های هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی که از نوآوری‌های قانون جدید نیز محسوب می‌شود، رسیدگی به اظهارنامه ثبت اختراع است؛ آن هم زمانی که مرجع ثبت ظرف مهلت یک سال که در صورت ضرورت تا شش ماه دیگر قابل تمدید است، از پاسخ‌دهی ماهوی به هر علت امتناع کند (تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.ح.م.ص.). چنین صلاحیتی صرفاً در خصوص اختراعات پیش‌بینی شده و در سایر انواع مالکیت‌های صنعتی، حتی نمونه اشیای مصرفی، دیده نشده است.

در آمریکا، هیچ مقرره‌ای وجود ندارد که به متقاضی اجازه دهد در صورت عدم پاسخ‌گویی ماهوی در مهلت مشخص، مستقیماً به هیئت‌های محاکمه و تجدیدنظر (برای اختراعات) یا (برای علائم تجاری) مراجعه کند. در صورت تأخیر غیرمنطقی در پاسخ‌دهی به اظهارنامه، متقاضی می‌تواند از رئیس USPTO درخواست تسریع کند.^۱

۴. آیین دادرسی

در این قسمت، به‌طور کلی آیین دادرسی «هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی» مشتمل بر خواهان، تشریفات رسیدگی و اعتراض به تصمیمات هیئت بررسی می‌شود.

۴-۱. خواهان رسیدگی در هیئت

در مواردی که هیئت در مقام رسیدگی به اعتراض نسبت به رد اظهارنامه ثبتی و یا اخطار رفع نقص است، خواهان رسیدگی در هیئت همان متقاضی ثبت است که مرجع ثبت اظهارنامه وی را رد کرده و یا برای آن اخطار رفع نقص صادر کرده است. همچنین در صورتی که مرجع ثبت در مهلت مقرر قانونی نسبت به پذیرش یا عدم پذیرش اظهارنامه ثبت اختراع تصمیم‌گیری ماهوی نکند، شروع رسیدگی به اظهارنامه ثبت اختراع در هیئت مستلزم تقاضای متقاضی ثبت است. در خصوص اعتراض به استرداد اظهارنامه ثبت اختراع، نمونه شی مصرفی و طرح صنعتی موضوع ماده ۲۵ ق.ح.م.ص. نیز به نظر می‌رسد که ذی‌نفع اعتراض درواقع منتقل‌الیه حقوق مادی (اقتصادی) مربوط به اظهارنامه ثبتی به شرح مذکور در ماده ۵۷ ق.ح.م.ص. است.

اما در مواردی که اشخاص ثالث نسبت به پذیرش اظهارنامه ثبت مالکیت صنعتی معترض باشند، در قانون رویه واحدی وجود ندارد. برخلاف اختراعات (مواد ۲۸ و ۲۹)، نمونه اشیای مصرفی (ماده ۸۱) و طرح‌های صنعتی (مواد ۹۱ و ۹۴) که اعتراض به پذیرش اظهارنامه از سوی

1. 37 C.F.R. § 1.181; C.F.R. § 2.146

«هر شخص» امکان‌پذیر است، در علائم تجاری (ماده ۱۰۳)، صرفاً «ذی‌نفع» باید به پذیرش اظهارنامه اعتراض اشخاص ثالث کند.^۱ مطابق با ماده ۳۱ ق.ح.م.ص. در صورتی که اختراع، نمونه شی مصرفی و طرح صنعتی شرایط شکلی و ماهوی نداشته باشند، هر شخص می‌تواند به این امر اعتراض کند که در این صورت نیازی به اظهارنامه هم‌زمان با اعتراض نیست. با توجه به اینکه قانون از عبارت «هر شخص» استفاده کرده است، بنابراین نیازی نیست که معترض نفع شخصی و مستقیمی از اعتراض داشته باشد.

یکی از نوآوری‌های قانون جدید، تعریف مفهوم «ذی‌نفع» در دعای ابطال گواهی‌نامه ثبت علامت تجاری در مراجع قضایی است که در تبصره ۳ ماده ۱۱۰ ق.ح.م.ص. مطرح شده است. بر اساس این مقرر، مفهوم ذی‌نفع در این ماده، علاوه بر اشخاصی که مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی ذی‌نفع محسوب می‌شوند،^۲ نهادهای حاکمیتی نظارت‌کننده بر کیفیت کالاها و خدمات و اتحادیه‌های صنفی فعال در زمینه علامت تجاری را نیز در بر می‌گیرد.

رویه قضایی نیز در تعیین مفهوم ذی‌نفع در دعای ابطال علامت تجاری نقش بسزایی داشته است. در پرونده‌ای در شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران، خواهان‌ها به عنوان مصرف‌کننده عادی دعوای ابطال علامت تجاری‌ای را که در بر دارنده پرچم کشور سوئیس و کلمه «GENEVA»^۳ بود، مطرح کرده بودند. دادگاه با این استدلال که مصرف‌کنندگان می‌توانند در مواردی که نشان جغرافیایی کالا غیر واقعی باشد، دعوای ابطال علامت تجاری مطرح کنند، خواهان‌ها را مصرف‌کننده ذی‌نفع محسوب و حکم به ابطال کلمه «GENEVA» و همچنین شکل پرچم کشور سوئیس در علامت تجاری خوانده صادر کرد.^۴ همچنین دادگاه اعلام کرد که اگر علامتی به ثبت برسد که نظم عمومی را خدشه‌دار سازد، هر

۱. در زمان حکومت قانون سابق نیز بر اساس ماده ۳۷ ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۶، امکان اعتراض صرفاً برای اشخاص «ذی‌نفع» برقرار بود.

۲. ماده ۲ ق.آ.د.م. طرح دعوای صرفاً از جانب شخص «ذی‌نفع» میسر می‌داند و بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون مذکور نیز ذی‌نفع نبودن خواهان را از ایرادات و موانع دادرسی برشمرد که ضمانت اجرای آن بر اساس ماده ۸۹ همین قانون، صدور قرار رد دعوا است. به لحاظ بدیهی و روشن بودن شرط «ذی‌نفعی» در طرح دعوای، قانون آیین دادرسی مدنی تعریفی از آن ارائه نداده است، اما استادان حقوق با بیان ویژگی‌های «نفع» سعی کرده‌اند ملاک‌هایی برای تشخیص ذی‌نفعی در دعوای ارائه کنند. نفع لازم برای طرح دعوای می‌بایست ۱- حقوقی و مشروع باشد؛ ۲- به وجود آمده و باقی باشد؛ و ۳- شخصی و مستقیم باشد (شمس، ۱۴۰۰: ۲۸۳-۲۸۷). با این حال، گاه تعریف عمومی نفع در آیین دادرسی مدنی، مناسب برخی موضوعات تخصصی نیست؛ دعوای مالکیت فکری یکی از این موضوعات است که به سبب نیاز، مفهوم نفع در آن اندکی متفاوت شده است و لازم است انحرافی هرچند کوچک در قاعده کلی پدید آید (حبیبی و ناظری، ۱۴۰۰: ۵۲-۸۶).

۳. ژنو (Geneva) دومین شهر پرجمعیت کشور سوئیس پس از زوریخ است.

۴. دادنامه شماره ۱۴۰۲۶۸۳۹۰۰۸۰۲۶۲۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۳۱ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران (مجمع قضایی شهید بهشتی)

شخص حقیقی ایرانی حق خواهد داشت به علت جریحه دار شدن احساسات و نظم عمومی، ابطال آن را بخواهد (سیدین و کارچانی، ۱۴۰۳: ۵۵۲). حکم مذکور عیناً تأیید و قطعی شد.^۱

از آنجایی که بر اساس تصریح تبصره ۳ ماده ۱۱۰، مفهوم ذکر شده از ذی نفع فقط در مورد ماده ۱۱۰ و در مقام طرح دعوای ابطال گواهی نامه ثبت علامت تجاری در «دادگاه» کاربرد دارد، باید در خصوص مفهوم «ذی نفع» در ماده ۱۰۳ ق.ح.م.ص. در مقام اعتراض به پذیرش اظهارنامه ثبت علامت تجاری تأمل کرد. به نظر می رسد اشخاص ثالث ذی نفع در اعتراض به پذیرش اظهارنامه ثبت علامت تجاری، اشخاصی اند که بر اساس بندهای ۴ الی ۷ ماده ۹۶ ق.ح.م.ص. خود علامت تجاری، نام تجاری یا طرح صنعتی ثبت شده یا اظهارنامه مقدم دارند و یا حداقل ادعای مالکیت بر علامت تجاری مورد تقاضای متقاضی ثبت را دارند.^۲ بنابراین برخلاف اختراعات، نمونه اشیاء مصرفی و طرح های صنعتی، اشخاص ثالث نمی توانند صرفاً به بهانه رعایت نکردن مقررات در خصوص ثبت علائم تجاری^۳ و بدون آنکه نفع شخصی و مستقیمی داشته باشند به پذیرش اظهارنامه ثبت علامت تجاری اعتراض کنند؛ به ویژه اینکه مطابق با ماده ۱۰۳، مرجع ثبت قبل از پذیرش اظهارنامه نسبت به احراز شرایط قانونی رسیدگی کرده است.

۲-۴. تشریفات رسیدگی در هیئت

«نحوه اعتراض» به اظهارنامه ثبت مالکیت صنعتی و «رسیدگی به اعتراض»، بر اساس مفاد قانون حمایت از مالکیت صنعتی است (ماده ۱۴۲ ق.ح.م.ص.)؛ بنابراین، در زمینه تشریفات رسیدگی می بایست اصولاً به آنچه در این قانون آمده است، بسنده کرد و اساساً نباید با ابزاری چون قیاس و یا استفاده از مقررات آیین دادرسی مدنی و مواردی دیگر بدان افزود. البته باید توجه شود که اصول دادرسی^۴ در رسیدگی های هیئت باید رعایت شوند، ولو آنکه قانون حمایت از مالکیت صنعتی و آیین نامه اجرایی آن در خصوص آنها ساکت باشند.

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۰۴۲۰۳۳۸۵ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۲. در رویه عملی، اشخاص ذی نفع می بایست حتماً در کارتابل مرکز مالکیت معنوی به آدرس اینترنتی <https://iripo.ssaa.ir> ثبت نام و احراز هویت کرده باشند و اعتراض خود را در سامانه از طریق یکی از علائم تجاری یا طرح های صنعتی ثبت شده یا حداقل اظهارنامه های در حال رسیدگی، به ثبت رسانند. بر اساس مواد ۳۰ و ۱۰۳ ق.ح.م.ص. در مواردی که معترض ادعای مالکیت بر علامت تجاری تقاضا شده را داشته باشد، می بایست علاوه بر اعتراض، اظهارنامه نیز تقدیم کند.
۳. مانند آنکه شخص مدعی باشد که مفاد علامت تقاضا شده، خلاف موازین شرعی، قانونی و یا نظم عمومی است یا موجب وهن مقدسات دینی می شود. (بند ۲ ماده ۹۶ ق.ح.م.ص.)
۴. مانند اصل حق دفاع (تناظر)، اصل استقلال قاضی، اصل تسلط بر دادرسی، اصل علنی بودن دادرسی و دیگر موارد. برای مطالعه در خصوص اصول دادرسی بنگرید به: (محسنی، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۳۱)

۴-۲-۱. رسیدگی و محدوده آن

شروع رسیدگی در هیئت اصولاً مستلزم تقدیم «اعتراض‌نامه» و در مواردی «درخواست»^۱ است؛ بنابراین در هیچ‌یک از صلاحیت‌های پیش‌گفته، هیئت نمی‌تواند رأساً شروع به رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.^۲ اعتراض‌نامه بر اساس ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. می‌بایست به صورت کتبی در دو نسخه تنظیم و همراه با دلایل و مستندات و رسید مربوط به پرداخت هزینه رسیدگی، به مرجع ثبت تسلیم شود. در مواردی که اشخاص ثالث به پذیرش اظهارنامه اعتراض دارند، قبل از ارجاع پرونده به هیئت، فرایند تبادل لوایح از طریق مرجع ثبت بین متقاضی ثبت و معترض ثبت صورت می‌پذیرد.^۳ اکنون، همان‌طور که در ماده ۱۳۶ ق.ح.م.ص. تکلیف شده است، تمامی اقدامات مذکور از طریق سامانه مرکز مالکیت معنوی^۴ صورت می‌گیرد و معترض در هر حال باید در سامانه مزبور ثبت‌نام و احراز هویت کند.

همچنین بر اساس ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. جلسات رسیدگی هیئت با دعوت از طرفین تشکیل می‌شود و رسیدگی به صورت توافقی صورت می‌پذیرد. فاصله بین ابلاغ تا تشکیل جلسه رسیدگی می‌بایست حداقل ده روز باشد. رئیس هیئت که نماینده رئیس مرجع ثبت است، تاریخ، زمان و مکان تشکیل جلسه را حسب مورد به متقاضی ثبت یا به طرفین اختلاف یا به نماینده قانونی آنان ابلاغ می‌کند. این اشخاص می‌توانند در جلسه حضور پیدا کنند و دفاعیات خود را مطرح کنند. اگرچه این موضوع عیناً در ماده ۱۷۱ آیین‌نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ نیز پیش‌بینی شده بود، در عمل اجرا نمی‌شد و جلسات کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ بدون دعوت از طرفین برگزار و به صدور رأی منتهی می‌شد. با تصویب مقرر مذکور در قالب قانون، رویه عملی نیز اکنون تغییر کرده است و در راستای اجرای مفاد قانون، هیئت طرفین را، با قید تاریخ، زمان دقیق و مکان، دعوت می‌کند. حضور نیافتن اصحاب پرونده مانع از تشکیل جلسه رسیدگی و تصمیم‌گیری نیست.

مطابق با ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. رد اظهارنامه از سوی مرجع ثبت می‌بایست مستدل و مستند باشد، یعنی متقاضی باید مطلع شود که دقیقاً کدام شرط شکلی یا ماهوی، مانع از پذیرش اظهارنامه ثبت مالکیت صنعتی وی شده است تا بتواند در اعتراض خود آن را لحاظ و هیئت را اقناع کند؛ بنابراین

۱. چنانچه ظرف مهلت مقرر قانونی مرجع ثبت پاسخ بررسی ماهوی اظهارنامه ثبت اختراع را مشخص نکند، موضوع به «درخواست» متقاضی قابل رسیدگی در هیئت موضوع ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. خواهد بود (تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.ح.م.ص.).

۲. ابتکار آغاز دادرسی با خواهان است و قاضی علی‌الاصول نمی‌تواند رأساً دادرسی را آغاز کند. این اصل که از ماده ۲ ق.آ.د.م. مستفاد می‌شود، به «اصل خواستن» و در فرانسه به «اصل تسلیط» تعبیر می‌شود (شمس، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

۳. در خصوص فرایند تبادل لوایح به مواد ۲۳ و ۱۰۴ ق.ح.م.ص. بنگرید به:

4. <https://iripo.ssaa.ir>

ذکر عبارات کلی در اختاریه رد مانند: «اختراع جدید نیست» یا «مشابه علامت قبلاً به ثبت رسیده» کفایت نمی‌کند و می‌بایست دقیقاً مشخص شود که به چه دلیل اختراع جدید نیست یا علامت مورد تقاضا با کدام علامت ثبت‌شده در تعارض است.

ذکر دلایل و مستندات رد اظهارنامه به‌نحو پیش‌گفته، محدوده صلاحیت رسیدگی هیئت را نیز مشخص می‌کند. هرچند که در قانون صراحتاً به این موضوع اشاره نشده، اصول کلی دادرسی این اقتضا را دارد که رسیدگی هیئت صرفاً در محدوده دلایل و مستندات باشد که مرجع ثبت مبنای تصمیم‌گیری خود قرار داده است. طبیعی است که متقاضی ثبت نیز اعتراض خود را صرفاً معطوف به دلایل و مستندات می‌کند که مرجع ثبت در اختاریه رد بدان اشاره کرده است و تلاش می‌کند آن را زیر سؤال ببرد. به عبارت دیگر، هیئت حق ندارد دلایل و مستندات دیگری را بررسی کند که در رد اظهارنامه مؤثر است، ولی در اختاریه رد ذکر نشده است و فقط باید در همان حدودی که مرجع ثبت به آن اشاره کرده است، رسیدگی و تصمیم‌گیری کند. در غیر این صورت، تصمیم هیئت برخلاف اصل حق دفاع خواهد بود.

شوربختانه در مواردی این اصل در هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی رعایت نمی‌شود. برای نمونه، در پرونده‌ای متقاضی، ثبت علامت تجاری «HERO» را در طبقه ۹ تقاضا کرده بود که مرجع ثبت صرفاً به علت وجود سابقه ثبتی علامت تجاری «HERROW» در طبقه ۱۱، اظهارنامه ثبتی را رد کرد.^۱ پس از اعتراض متقاضی ثبت به اظهار رد اظهارنامه و ارجاع پرونده برای رسیدگی به هیئت، وکیل متقاضی استدلال کرد که علامت تجاری مورد استناد مرجع ثبت، در طبقه و کالاهای متفاوتی ثبت شده است و طبق اصل نسبیت علائم تجاری، این امر مانع از ثبت علامت تجاری مورد تقاضای متقاضی نیست. هیئت دفاعیات و موازین مطروحه وکیل متقاضی را پذیرفت، اما با استناد به سابقه ثبتی دیگری که اساساً در اختاریه رد اشاره‌ای بدان نشده بود و عملاً فرصت و امکان دفاع برای متقاضی برای به چالش کشیدن آن فراهم نبود، اعتراض را رد کرد. هیئت در رأی خود آورده است: «... هرچند مبنای اظهار صادرشده در بند یک ابلاغیه اخطار رد را به دلیل اینکه کالاها و طبقات علامت مورد تقاضای متقاضی متفاوت از کالاها و طبقات علامت مورد استناد به شماره ثبتی... می‌باشد و احتمال گمراهی عمومی منتفی است، مورد تأیید نمی‌داند؛

۱. اصل حق دفاع که در ایران به «تناظر»، «تقابلی بودن دادرسی» یا «ترافعی بودن دادرسی» نیز تعبیر می‌شود، جزو اصول دادرسی و مشترک میان همه دادرسی‌ها اعم از مدنی، اداری و کیفری است. بنگرید: (Cadiet et al. 2010) و (Guinchard et al. 2022) به‌طور کلی، قاضی نمی‌تواند تصمیم خود را بر ماهیاتی بنا نهد که داخل در جدال نبوده‌اند (شمس، ۱۳۹۸: ۱۲۳).

۲. ابلاغیه اخطار رد اظهارنامه به شماره ۱۴۰۳۵۰۹۴۰۰۱۰۲۶۴۱۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۱ صادره از اداره ثبت علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی داخلی.

لیکن نظر به اینکه علامت متقاضی ثبت تحت عنوان "HERO" از لحاظ تلفظ، کتابت و کالا با علامت تجاری موجود در اداره با عنوان "HEROES OF LIGHT" به شماره اظهارنامه بین‌المللی... شبیه بوده و احتمال گمراهی مصرف‌کننده عادی متصور است، لذا به استناد بند یک و شش ماده ۹۶ ق.ح.م.ص. نتیجتاً اعتراض معترض را غیروارد تشخیص داده و با عنایت به مراتب فوق‌الذکر، به توقف تشریفات قانونی اظهارنامه متقاضی اظهار نظر می‌گردد...»^۱

۴-۲-۲. تصمیم‌گیری هیئت و اجرای تصمیم

بر اساس ماده ۳۰ ق.ح.م.ص. در مواردی که هیئت در مقام رسیدگی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به پذیرش اظهارنامه ثبتی است، مکلف است حداکثر ظرف سه ماه به اعتراض رسیدگی و رأی مقتضی صادر کند. مهلت مذکور حداکثر به مدت سه ماه فقط برای یک بار قابل تمدید است. در این ماده مشخص نشده است که ضمانت اجرای رعایت نکردن مهلت مقرر از سوی هیئت چیست و معترض چه حقی دارد. به نظر می‌رسد که در این موارد، معترض می‌تواند مستقیماً دعوای خود را در دادگاه مطرح کند.

نکته دیگر اینکه مهلت مذکور، در ماده ۳۰ ق.ح.م.ص. آمده است نه ماده ۲۳ این قانون؛ بنابراین شاید این‌گونه تصور شود که محدودیت زمانی سه‌ماهه برای رسیدگی، صرفاً مختص به حالتی است که هیئت در مقام رسیدگی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به پذیرش اظهارنامه ثبتی است و در موارد دیگر به لحاظ سکوت قانون، هیئت محدودیت زمانی ندارد. به نظر می‌رسد که این برداشت صحیح نیست و باید حکم مقرر در ماده ۳۰ مبنی بر مهلت سه‌ماهه هیئت در رسیدگی را به‌منزله قاعده‌ای کلی در تمام رسیدگی‌های هیئت جاری کرد.

هیئت پس از اعلام ختم رسیدگی^۲ ظرف حداکثر یک هفته تصمیم نهایی خود را با اکثریت آرا (دو نفر از سه نفر) به‌صورت مستند و مستدل صادر و اعلام می‌کند و متعاقباً تصمیم مذکور از طریق مرجع ثبت به طرفین ابلاغ می‌شود. تصمیمات متخذه در هیئت، پس از قطعیت^۳ برای مرجع ثبت و طرفین لازم‌الاتباع خواهد بود. در رویه عملی، پس از صدور رأی هیئت، مادام‌که به مرجع ثبت

۱. تصمیم شماره ۲۱۲۴۷/هـ/ع مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ صادره از شعبه ششم رسیدگی به اعتراضات ثبت علائم تجاری هیئت موضوع ماده ۲۳ ق.ح.م.ص.

۲. ختم رسیدگی که با مسامحه همان ختم دادرسی (ماده ۲۹۵ ق.آ.د.م.) است، به مقطعی گفته می‌شود که در آن ارزیابی قاضی این است که موضوع (مورد اختلاف) آماده قضاوت است و تحقیقات باید با صدور سندی شکلی (که قاضی آن را صادر می‌کند) که دستور ختم رسیدگی (بسته شدن باب تحقیق) نامیده می‌شود، پایان یابد و اثر آن این است که دیگر هیچ لایحه یا سندی از طرفین دریافت نمی‌شود (هرمزی، ۱۴۰۱: ۳۸۰).

۳. در رویه عملی، تصمیمات هیئت مادام‌که قطعی نشده‌اند، لازم‌الاجرا نیستند.

«گواهی عدم ارائه دادخواست»^۱ (در فرض عدم اعتراض به تصمیم هیئت) و یا «گواهی قطعیت رأی دادگاه»^۲ (در فرض اعتراض به تصمیم هیئت) ارائه نشود، مرجع ثبت تصمیم هیئت یا دادگاه را حسب مورد اجرا نمی‌کند. به عبارت دیگر، اعتراض به تصمیم هیئت در مرجع قضایی، واجد اثر تعلیقی است.

۴-۲-۳. نحوه ابلاغ

ماده ۱۳۸ ق.ح.م.ص. در حکمی کلی تمام ابلاغ‌های موضوع قانون حمایت از مالکیت صنعتی و آیین‌نامه اجرایی آن را حسب مورد تابع مقررات مربوط در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری قلمداد کرده است. اکنون نیز کلیه ابلاغات مراجع قضایی علی‌الاصول از طریق درگاه خدمات الکترونیک قضایی (موسوم به سامانه ثنا) انجام می‌شود.^۳ از سوی دیگر، بر اساس ماده ۱۰۹ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)، کلیه مراجع غیرقضایی مکلف شده‌اند که تمامی ابلاغ‌های خود را از طریق سامانه ثنا به ذی‌نفعان ابلاغ کنند.^۴ بنابراین در مجموع به نظر می‌رسد به‌رغم اینکه در رویه فعلی مرجع ثبت، کلیه ابلاغات از طریق سامانه مرکز مالکیت معنوی و ارسال پیامک انجام می‌شود، قانوناً

۱. در عمل، محکوم‌له رأی هیئت می‌بایست با مراجعه به دفتر کل مجتمع قضایی شهید بهشتی، گواهی عدم ارائه دادخواست از سوی محکوم‌علیه رأی هیئت در مهلت یک‌ماهه اعتراض را دریافت و سپس به مرجع ثبت برای اجرای رأی هیئت ارائه کند.

۲. اجرای حکم صادره در دعوای اعتراض به تصمیم هیئت (ابطال تصمیم هیئت)، بر اساس قسمت اخیر ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی، مستلزم صدور اجرائیه نیست و با صرف صدور گواهی قطعیت از دادگاه بدوی، از سوی مرجع ثبت اجرا می‌شود.

۳. به موجب ماده ۷ آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی مصوب ۱۳۹۱ و همچنین تبصره ماده ۹ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی مصوب ۱۳۹۵، اوراق قضایی الزاماً می‌بایست از طریق حساب کاربری ثنا به طرفین دعوا ابلاغ شود.

۴. ماده ۱۰۹ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷) مصوب ۱۴۰۳/۰۳/۰۱: «مراجع غیرقضایی که نتیجه تصمیمات، آرا و دستورالشان مطابق قوانین یا مقررات باید به ذی‌نفع ابلاغ شود، از قبیل شعب سازمان تعزیرات حکومتی، هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی، هیئت‌های تشخیص مطالبات سازمان تأمین اجتماعی، هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون‌های موضوع مواد (۹۹) و (۱۰۰) قانون شهرداری و کمیسیون ماده (۱۲) قانون زمین شهری مکلف‌اند از ابتدای سال دوم برنامه، ابلاغ‌های خود را در صورتی که شخص ذی‌نفع در سامانه ابلاغ الکترونیک قضایی (ثنا) دارای حساب کاربری باشد، از طریق سامانه مذکور و در صورتی که دارای حساب کاربری نباشد، به طرق سابق به ذی‌نفع ارسال نمایند. مراجع مزبور مکلف به رعایت احکام این ماده و ابلاغ از طرق مذکور، می‌باشند. همچنین قوه قضائیه مکلف است امکان ابلاغ موضوع این ماده را از طریق سامانه ابلاغ الکترونیک قضایی (ثنا) برای مراجع مذکور نسبت به افرادی که دارای حساب کاربری (ثنا) هستند، فراهم نماید...»

می‌بایست کلیه ابلاغات، از جمله ابلاغات مربوط به هیئت موضوع ماده ۲۳، از طریق سامانه ثنا به ذی‌نفعان صورت پذیرد.

همچنین بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۲۳ به تاریخ ۱۳۶۰/۰۴/۰۶ دیوان عالی کشور، اصولاً سابقه ابلاغ هر مرحله از مراحل رسیدگی در دادرسی مدنی، مستقل از سایر مراحل است،^۱ اما با تصویب ماده ۱۳۶ ق.ح.م.ص. این قاعده با استثنا مواجه شده و در حوزه مالکیت صنعتی، سابقه ابلاغ در تمام مراحل اداری و قضایی همان آدرسی است که به مرجع ثبت اعلام شده و یا در سامانه الکترونیکی مرجع ثبت درج شده است؛ بنابراین در مواردی که شخص به هر دلیل فاقد حساب کاربری در سامانه ثنا باشد، آدرس اعلام شده به مرجع ثبت یا نشانی موجود در سامانه مرکز مالکیت معنوی ملاک عمل در مراجع اداری و قضایی است.

۴-۲-۴. اثر تعلیقی

طرح پرونده و رسیدگی به آن در هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی، اثر تعلیقی دارد؛ یعنی از لحظه اعتراض معترض تا صدور رأی در هیئت، رسیدگی به موضوع اظهارنامه ثبتی در مرجع ثبت متوقف می‌شود. ماده ۳۰ ق.ح.م.ص. در این باره مقرر می‌دارد: «... در این صورت رسیدگی به اظهارنامه ثبت اختراع تا تعیین تکلیف نهایی پرونده اعتراض متوقف می‌ماند...». بر اساس مواد ۸۱، ۹۱ و ۱۰۳ قانون پیش گفته، اثر تعلیقی در رسیدگی به اظهارنامه ثبتی نمونه اشیاء مصرفی، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری نیز جاری است.

نکته قابل تأمل این است که آیا رسیدگی هیئت در مقام بررسی شرایط ماهوی اظهارنامه ثبت اختراع موضوع تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.ح.م.ص. نیز واجد اثر تعلیقی است؟ به نظر می‌رسد از آنجایی که رسیدگی به شرایط شکلی و ماهوی اظهارنامه‌های ثبت اختراع در مرجع ثبت اصالت دارد و قانون‌گذار نیز در ماده ۲۶ و تبصره‌های آن اشاره‌ای به اثر تعلیقی نداشته است، بنابراین در این خصوص نمی‌توان قائل به اثر تعلیقی بود و هر زمان که مرجع ثبت در حین رسیدگی هیئت اقدام به اخذ تصمیم نسبت به رد یا پذیرش اظهارنامه ثبت اختراع بگیرد، رسیدگی در هیئت سالبه به انتفاء موضوع است و می‌بایست پرونده در همان وضع مختومه شود.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۲۳ مورخ ۱۳۶۰/۰۴/۰۶ دیوان عالی کشور: «مستنبط از مقررات مواد ۴۹۱ و ۴۹۶ و ۵۳۱ و ۵۳۴ اصلاحی قانون آیین دادرسی مدنی این است که قانون‌گذار سابقه ابلاغ در مرحله بدوی دادرسی را برای ابلاغ دادخواست‌های پژوهشی و فرجامی کافی ندانسته و مقتضی دانسته است که در هریک از مراحل دادرسی، نشانی اقامتگاه طرف دعوی تعیین نشود و از همین نظر است که قانون‌گذار پژوهش‌خواه و فرجام‌خواه را مکلف به تعیین محل اقامت پژوهش‌خوانده و فرجام‌خوانده کرده و عدم انجام این تکلیف را در ظرف مدت معین از موارد صدور قرار رد دادخواست‌های پژوهشی و فرجامی قرار داده است...».

۴-۲-۵. فراغ اعضای هیئت

یکی از قواعدی که هیئت در رسیدگی‌های خود باید رعایت کند، قاعده «فراغ دادرس» (در اینجا فراغ اعضای هیئت) است. اگرچه هیئت بر اساس ماده ۱۴۱ ق.ح.م.ص. مجاز است که در صورت وقوع اشتباهات شکلی فاقد تأثیر در محتوا مانند اشتباهات تایپی، املائی و سهو قلم، آن را تصحیح کند^۱، به هیچ عنوان نمی‌تواند از تصمیم ماهیتی خود (حتی تصمیم اشتباه) عدول کند و آن را تغییر دهد.^۲ و^۳ در نص ماده ۱۴۱ ق.ح.م.ص. فقط از مرجع ثبت نام برده شده است، اما به نظر نگارندگان تردیدی وجود ندارد که شامل هیئت نیز می‌شود، به ویژه اینکه هیئت از حیث ساختاری، جزو مرجع ثبت است و مقرر مذکور خصوصیت ندارد و در ذیل فصل هشتم با عنوان «مقررات عمومی» آمده است.

متأسفانه در رویه عملی، بارها عدول کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آیین نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ از تصمیم سابق خود و نقض قاعده «فراغ دادرس» مشاهده شده است که خوشبختانه صرف تخطی از این قاعده، موجب نقض و ابطال تصمیم هیئت در مراجع قضایی شده است. برای نمونه در پرونده‌ای حقوقی، خواهان دادخواست ابطال تصمیم جدید کمیسیون را به علت عدول از تصمیم سابق مطرح کرده بود که دادگاه بدوی این گونه استدلال کرد: «... صرف نظر از صحت و سقم موضوع، کمیسیون مجدداً حق ورود به موضوع و اظهار نظر مجدد و ماهوی را نداشته است و تصمیم متخذه، شکلی و اصلاح اشتباه نبوده، بلکه تصمیمی ماهوی است...» و حکم به ابطال تصمیم کمیسیون و محکومیت مرکز مالکیت معنوی به جبران خسارات دادرسی به لحاظ تقصیر در اعمال وظایف محوله صادر کرد. دادگاه تجدیدنظر نیز ضمن بیان اینکه ورود مجدد و اتخاذ تصمیم جدید در موضوع واحد از کمیسیون مبنای حقوقی و قانونی نداشته است، دادنامه معترض عنه را عیناً تأیید کرد^۴ (امی، ۱۴۰۰: ۳۶۳، ۳۷۷ و ۴۷۳).

۱. در زمان حکومت قانون سابق نیز به موجب ماده ۵۶ ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۱۷۶ آیین نامه اجرایی قانون مذکور، امکان تصحیح اشتباهات شکلی و سهو قلم برای مرجع ثبت (و طبیعتاً کمیسیون) پیش‌بینی شده بود. همچنین در ماده ۱۲ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳ نیز این امکان پیش‌بینی شده است. ۲. استادان حقوق به درستی گفته‌اند که دادرس پس از صدور حکم، حتی با رضایت اصحاب دعوا هم نمی‌تواند رأی خود را تغییر دهد (شمس، ۱۳۹۸: ۲۱۴).

۳. نکته جالب اینکه قانون‌گذار قاعده فراغ دادرس (اعضای هیئت) را در «هیئت تشخیص موارد پروانه بهره‌برداری اجباری» موضوع ماده ۴۰ ق.ح.م.ص. استثنا کرده است. به موجب ماده ۴۷، هیئت موضوع ماده ۴۰ می‌تواند بنابه درخواست مالک اختراع یا دارنده پروانه بهره‌برداری اجباری و پس از استماع اظهارات طرفین یا یکی از آنها، تصمیم خود مبنی بر بهره‌برداری اجباری از اختراع را تا حدی که اوضاع و احوال اقتضا کند، تغییر دهد. بر اساس تبصره ۱ ماده ۴۰، تصمیم هیئت مبنی بر تغییر نیز قابل اعتراض در مرجع قضایی صالح است.

۴. دادنامه قطعی شماره ۱۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۴ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۴-۲-۶. رد اعضای هیئت

در صورتی که هریک از اعضای هیئت واجد یکی از موارد رد باشند، می‌بایست از بررسی موضوع خودداری کنند و کارشناس دیگری جایگزین ایشان در رسیدگی شود. این شرایط عبارت‌اند از: «۱- بین کارشناس و متقاضی، قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه ارثی وجود داشته باشد؛ ۲- کارشناس یا همسر یا فرزند او حقوق‌بگیر متقاضی باشند؛ ۳- کارشناس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطرح شده باشند».^۱ نفع شخصی در بند سه، اعم از نفع مستقیم و غیرمستقیم است.

علاوه بر موارد مذکور در ماده ۱۴۸، تبصره ۲ ماده ۲۳ نیز یکی دیگر از جهات رد اعضای هیئت را بیان کرده است. بر اساس این مقرره، کارشناس رسیدگی‌کننده به اظهارنامه ثبتی در مرجع ثبت، نمی‌تواند در مورد همان موضوع به عنوان عضو هیئت انتخاب شود. اگرچه در ماده ۱۴۸، ضمانت اجرای وجود موارد رد لحاظ نشده است، رعایت نکردن موازین یادشده، تصمیمات هیئت را متزلزل و در معرض ابطال در دادگاه قرار خواهد داد.

۴-۳. اعتراض به تصمیمات هیئت

بر اساس تبصره یک ماده ۲۳ ق.ح.م.ص. تصمیمات نهایی متخذ از هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی، ظرف یک ماه^۲ از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در مراجع قضایی صالح‌اند. به مثابه قاعده عام تمام دادرسی‌ها، از نظر احتساب مواعد قانونی، ماه ۳۰ روز محسوب می‌شود و روز ابلاغ و اقدام جزو مدت محسوب نمی‌شوند.^۳

مطابق با ماده ۱۴۳ ق.ح.م.ص. رسیدگی به اختلافات و دعاوی ناشی از اجرای قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ و آیین‌نامه اجرایی آن حسب مورد در صلاحیت شعب مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری^۴ مستقر در تهران است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون، رئیس قوه قضائیه آن را تشکیل می‌دهد. به نظر برخی نویسندگان، تشکیل مرجع قضایی

۱. ماده ۱۴۸ موارد رد کارشناس را به صورت کلی مطرح کرده است و در آن به اینکه آیا علاوه بر کارشناسان مرجع ثبت، کارشناسان هیئت نیز مشمول این مقرره هستند یا خیر اشاره‌ای نشده است. به نظر نگارندگان، تردیدی وجود ندارد که شامل اعضای هیئت نیز می‌شود، به ویژه اینکه هیئت از حیث ساختاری، جزو مرجع ثبت است و مقرره مذکور خصوصیت ندارد و در ذیل فصل هشتم با عنوان «مقررات عمومی» آمده است.

۲. بر اساس ماده ۱۴۷ ق.ح.م.ص. مهلت‌های یک‌ماهه مذکور در قانون برای اشخاص مقیم خارج از کشور ۶۰ روز است. ۳. مواد ۴۴۳ و ۴۴۵ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹.

۴. اگرچه نام قانون و محتوای آن صرفاً در خصوص مالکیت صنعتی است، قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ عبارت کلی مجتمع قضایی ویژه «مالکیت فکری» را به کار برده است که هم شامل مالکیت صنعتی و هم شامل مالکیت ادبی و هنری (کپی‌رایت) می‌شود.

تخصصی رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری، در واقع اعلام رسمی نظام‌های حقوقی مبنی بر ارج نهادن دعاوی مالکیت فکری است (حبیبی و شاکری، ۱۳۸۹: ۱۴۸). بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۴۳ ق.ح.م.ص. قضات مجتمع ویژه مالکیت فکری باید دارای دانش حقوقی مرتبط با مالکیت فکری باشند. ارمغان این دانش، استقلال قضایی است؛ چراکه قاضی بی دانش بیشتر با تردید مواجه است و به دیگران و حتی اصحاب دعوی یا وکلایشان وابستگی علمی بیشتری دارد. بر همین اساس است که در اسناد ارشادی آیین دادرسی مدنی فراملی، ذیل اصل استقلال و بی طرفی دادگاه، تأکید شده است که دادگاه باید دانش حقوقی مستحکمی داشته و مجرب باشد (غمامی و محسنی، ۱۴۰۱: ۷۰؛ محسنی، ۱۴۰۳: ۴۱۶).

با توجه به تبصره ۳ این ماده^۱ شعب مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری، شعب تخصصی^۲ از دادگاه عمومی حقوقی تهران محسوب می‌شوند و صلاحیت ذاتی آن‌ها با دادگاه‌های عمومی حقوقی یکسان است.^۳ در واقع ماده ۱۴۳ ق.ح.م.ص. صرفاً در مقام تشکیل شعب تخصصی در مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری و تعیین صلاحیت محلی رسیدگی به اختلافات و دعاوی مربوط به مالکیت صنعتی است؛ بنابراین در صورتی که دعاوی حقوقی راجع به مالکیت صنعتی در دیگر شعب دادگاه عمومی حقوقی تهران مطرح شوند، صدور قرار عدم صلاحیت ذاتی فاقد مبنای حقوقی و قانونی است. همچنین صدور قرار عدم صلاحیت محلی نیز از یک شعبه به شعبه دیگر در تهران صحیح نیست. در این موارد به نظر می‌رسد که قاضی می‌تواند با صدور قرار امتناع از رسیدگی، پرونده را برای ارجاع به شعبه تخصصی نزد رئیس حوزه قضایی یا معاون او (مقام ارجاع) ارسال کند. برخی قضات در نشست نقد رأی با موضوع «مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوق مالکیت صنعتی و نام دامنه» بدون نام بردن از «قرار امتناع از رسیدگی» اظهار داشته‌اند که قاضی در چنین شرایطی می‌تواند پرونده را برای ارجاع به شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران به مقام ارجاع ارسال کند و تصمیم‌گیری در این خصوص به مقام ارجاع بستگی دارد (سیدین و کارچانی، ۱۴۰۰: ۲۶۸-۲۷۰).

۱. بر اساس تبصره ۳ ماده ۱۴۳ ق.ح.م.ص. تخصصی بودن شعب مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به این شعب نیست.

۲. برای اولین بار امکان تخصصی شدن شعب رسیدگی به دعاوی مالکیت صنعتی به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و با تصویب رئیس قوه قضائیه در بند «ب» ماده ۴ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب مصوب ۱۳۸۱ تصریح شد.

۳. در تأیید این امر، شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، رسیدگی به دعاوی راجع به مالکیت صنعتی از سوی شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران را به رسمیت شناخته و حکم صادره از مرجع مذکور را تأیید کرده است (دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۳۴۷ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران). برای مشاهده رأی دادگاه بدوی بنگرید به: (سیدین و کارچانی، ۱۴۰۰: ۲۶۱-۲۶۳)

مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری در تهران تشکیل می‌شود و عهده‌دار رسیدگی به کلیه دعاوی ناظر بر مالکیت فکری در سراسر کشور است. دلیل این امر آن است که به علت حساسیت و تخصصی بودن حوزه مالکیت فکری، قانون‌گذار قصد آن را داشته است که این دعاوی صرفاً در پایتخت رسیدگی شوند تا امکان تأمین قاضی متخصص و قابل اتکا در این موضوعات فراهم باشد. شاید دغدغه قانون‌گذار آن بوده است که با سپردن این دعاوی به حوزه‌های قضایی بخش‌ها یا شهرستان‌ها یا حتی مراکز استان‌ها، ممکن است دستگاه قضایی نتواند قضات دارای اشراف و اطلاع کافی نسبت به مالکیت‌های صنعتی و حتی کارشناسان رسمی به تعداد لازم تأمین کند و بر همین اساس، هرچند دعاوی مزبور منقول و تابع ماده ۱۱ ق.آ.د.م؛ و در مواردی منقول ناشی از قرارداد و تابع ماده ۱۳ ق.آ.د.م. هستند، در تهران تجمیع شده‌اند (توکلی، ۱۴۰۳: ۱۲۲).

بنابراین از جمع مقررات قانونی مذکور این‌گونه برداشت می‌شود که دادگاه صالح به رسیدگی به اعتراض به تصمیمات هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی، شعب مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری‌اند که در تهران می‌بایست تشکیل شوند.^۱ برخلاف قانون سابق که در قسمت اخیر ماده ۵۹ ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۶ مقرر کرده بود: «تجدیدنظرخواهی از آرا و نحوه رسیدگی، تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است.» در قانون جدید راجع به این موضوع تصریحی وجود ندارد؛ اما تردیدی نیست که بر اساس ماده ۱ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹، نحوه رسیدگی به دعوای «اعتراض به تصمیم هیئت و ابطال آن» و همچنین امکان شکایت از آن، تابع مقررات آیین دادرسی مدنی است. طبق ماده ۴۸ ق.آ.د.م. شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم «دادخواست» است و می‌بایست کلیه تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی رعایت شوند. افزون بر این، چون این دعوا در رویه قضایی دعوایی «غیرمالی» محسوب می‌شود، مطابق با بند «۲» ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م. قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

مهم‌ترین علت پیش‌بینی مراحل متعدد اعتراض، کاهش احتمال بروز خطا است. در حوزه

۱. مطابق با تبصره ۴ ماده ۱۲۳ ق.ح.م.ص. تا زمان تشکیل مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری در تهران، ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۰۷ مجری است. ماده ۵۹ ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۶ مقرر می‌دارد: «رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران است که حداکثر تا شش ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد...» و اکنون شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران واقع در مجتمع قضایی شهید بهشتی متکفل رسیدگی به اختلافات و دعاوی حقوقی راجع به مالکیت صنعتی و شعبه ۱۰۴۳ دادگاه کیفری دو تهران واقع در مجتمع قضایی شهید قدوسی عهده‌دار رسیدگی به دعاوی کیفری راجع به مالکیت صنعتی است.

۲. همین موضوع در ماده ۱۸۹ آیین‌نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ بدین‌نحو تکرار شده بود: «تجدیدنظر از آرای محاکم و نحوه رسیدگی، تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی یا کیفری است.»

مالکیت صنعتی، صدور آرای اشتباه ممکن است تبعات جبران ناپذیری برای نوآوران، سرمایه‌گذاران، مصرف‌کنندگان و نظم عمومی جامعه داشته باشد. اگرچه هر مرحله از اعتراض، هزینه‌هایی مانند اطلاع‌رسانی، زمان، هزینه دادرسی، پیچیدگی فرایند و موارد دیگری را در پی دارد، این هزینه‌ها باید با فایده اجتماعی کاهش اشتباه و ارتقای امنیت حقوقی و اعتماد بازار مقایسه شود؛ بنابراین رسیدگی چندمرحله‌ای به اختلافات راجع به ثبت مالکیت صنعتی به لحاظ تبعات گسترده آن بر بازار رقابتی و نظم عمومی جامعه، امری ضروری و کارآمد است.

در مواردی که هیئت، در مقام رسیدگی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به پذیرش اظهارنامه ثبت مالکیت صنعتی، رأی صادر می‌کند، رویه قضایی لازم می‌داند که در طرح دعوی «اعتراض به رأی هیئت و صدور حکم مبنی بر ابطال آن»، علاوه بر طرف اختلاف، اداره مالکیت صنعتی (مرکز مالکیت معنوی) نیز طرف دعوا قرار گیرد تا طرح دعوا مطابق با قانون تلقی شود و قابلیت استماع داشته باشد. برای نمونه، در دعوایی حقوقی، شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران چنین مقرر کرد: «در دعوای ابطال تصمیم کمیسیون ضرورت دارد اداره مالکیت صنعتی طرف دعوا واقع شود، بنابراین دعوا به کیفیت مطروحه قابلیت استماع نداشته و به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوا صادر و اعلام می‌نماید.»^۱ که رأی مذکور عیناً در دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شد.^۲

نکته قابل تأمل دیگر این است که آیا متقاضی ثبت می‌تواند از اعتراض در هیئت موضوع ماده ۲۳ صرف‌نظر و مستقیماً دعوای خود را در مرجع قضایی صالح به شرح پیش‌گفته مطرح کند؟ در مواردی که مهلت اعتراض به تصمیم مرجع ثبت منقضی شده است، تردیدی نیست که بر اساس مفاد قسمت اخیر ماده ۲۹ ق.ج.م.ص؛ و اصالت دادگستری به منزله مرجع عام دسترسی به عدالت و تظلم خواهی،^۳ امکان طرح دعوی و رسیدگی به آن در دادگاه وجود دارد.

برای نمونه، در دعوای حقوقی دیگری مبنی بر «ابطال علامت تجاری»، شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران با این استدلال که: «اظهارنامه اولیه خواهان توسط مرجع ثبت رد شده و اظهارنامه به خواهان ابلاغ شده و حق اعتراض مستنداً به قسمت اخیر ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ برای وی محفوظ بوده تا اعتراض خود را تسلیم کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ نماید، اما در فرجه قانونی اعتراض نکرده و متعاقباً علامت موردنظر برای خوانده دعوی

۱. دادنامه شماره ۱۱۹۴۵۷۹۹/۱۴۰۲۶۸۳۹۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران (مجمع قضایی شهید بهشتی).

۲. دادنامه شماره ۳۴۷۲۹۸۷/۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۳. اصول ۳۴ و ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

به ثبت رسیده و از آنجایی که اظهارنامه مقدم خواهان مردود اعلام گردیده...»، دعوا را در این وضعیت غیرقابل استماع تشخیص و مستنداً به ماده ۲ ق.آ.د.م. قرار رد دعوا صادر می‌کند. شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ضمن نقض قرار تجدیدنظرخواسته و اعاده پرونده به دادگاه بدوی برای رسیدگی ماهیتی اعلام می‌دارد که خواسته خواهان در راستای بندهای الف، هـ و ز ماده ۳۲ ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۴۱ همین قانون مطرح شده و منصرف از ماده ۱۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اخیرالذکر است، بنابراین دعوا به نحو صحیح مطرح شده است و غیرقابل استماع تشخیص دادن آن توجیه حقوقی و قانونی ندارد و دادگاه بدوی مستنداً به ماده ۳ ق.آ.د.م. مکلف است با ورود در ماهیت دعوا، حکم دهد و یا فصل خصومت کند^۱ (امی، ۱۴۰۰: ۲۲۲ و ۶۵۰ و ۶۷۸). متأسفانه گاهی در رویه قضایی آرای صادر شده است که به نظر می‌رسد وجاهت حقوقی و قانونی آن محل تردید است. مثلاً، در دعوایی حقوقی مبنی بر «ابطال علامت تجاری»، شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دادنامه بدوی صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران مبنی بر «ابطال علامت تجاری خوانده به دلیل تعارض با حقوق مثبتۀ خواهان» را نقض و صرفاً به علت اینکه خواهان به تصمیم کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آیین‌نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷ در مهلت مقرر قانونی در دادگاه صالح اعتراض نکرده است، مستنداً به بند ۱۱ ماده ۸۴ ق.آ.د.م. (اقامۀ دعوا خارج از موعد قانونی) و ماده ۸۹ قانون اخیرالذکر، قرار رد دعوا صادر می‌کند (همان: ۲۳۴ و ۷۴۶). در حالی که دعوای ابطال علامت تجاری بر اساس ماده ۴۱ ق.ث.ا.ط.ع. به طور صحیح و قانونی مطرح شده و طرح این دعوا در زمان حکومت قانون سابق مقید به مهلت نبوده است. دعوایی که در قانون و آیین‌نامه سابق مهلت ۲ ماهه داشت، «اعتراض به تصمیم کمیسیون ابطال آن» بود که کاملاً منصرف از دعوای «ابطال علامت تجاری» است؛ بنابراین دادنامه قطعی صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل توجیه و تأیید نیست.

با این حال در مواردی که مهلت اعتراض به تصمیم مرجع ثبت هنوز منقضی نشده و یا پرونده در حال رسیدگی و حل اختلاف در هیئت است، رویه قضایی امکان طرح دعوا را در دادگستری میسر نمی‌داند.^۲ در پرونده‌ای که در شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران مطرح شد، دادگاه بدوی چنین نظر داد: «نظر به اینکه اختلافات طرفین در کمیسیون مالکیت صنعتی در حال رسیدگی است، قبل از اتخاذ تصمیم از سوی کمیسیون امکان اعتراض وجود نداشته... بنابراین دعوا در موقعیت کنونی قابل استماع نبوده و به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوا صادر

۱. دادنامه شماره ۱۳ مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۱۹ شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۲. در تأیید این نظر که در این فرض، امکان مراجعه به دادگاه‌های دادگستری وجود ندارد، بنگرید به: (میرحسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۶).

و اعلام می نماید...»^۱ که دادنامه مذکور عیناً در شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید و قطعی شد.^۲ و به نظر می رسد که با توجه به رأی وحدت رویه ۸۱۹ دیوان عالی کشور، اسقاط حق شکایت از رأی یکی از قواعد حقوق دادرسی ایران است (فتحی، ۱۴۰۲: ۳۵۰) و اشخاص می توانند با اسقاط حق شکایت خود، دعوا را مستقیماً در دادگاه مطرح کنند.

در زمان حکومت قانون سابق و به موجب ماده ۱۷۲ آیین نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷، معترض به تصمیم کمیسیون می بایست مبلغی را برای تأمین خسارت احتمالی با هدف جلوگیری از طرح اعتراضات واهی به شرح گفته شده در جدول هزینه ها، به عنوان ودیعه در صندوق دادگستری می گذاشت و رسید آن را ضمیمه دادخواست خود می کرد.^۳ به نظر برخی نویسندگان، الزام به تودیع خسارت احتمالی مذکور، خارج از صلاحیت آیین نامه اجرایی است و نوعی قانون گذاری است؛ لذا لازم الاتباع نیست و قابل ابطال در دیوان عدالت اداری خواهد بود.^۴ به عبارت دیگر، تودیع خسارت احتمالی مقطوع در سیستم قضایی ایران امری استثنایی است و به تصویب قانون نیاز دارد؛ بنابراین آیین نامه اجرایی قانون صلاحیت چنین امری را ندارد (امامی، ۱۳۹۶: ۲۷۳). طبق تجارب عملی نگارندگان نیز در رویه قضایی، محاکم در خصوص اجرای این مقرر سلیقه ای عمل می کنند^۵ و گاهی معترض را با صدور اخطار رفع نقص به سپردن مبلغ تأمین خسارت احتمالی مکلف می کنند و گاهی اساساً تأمین خسارت احتمالی دریافت نمی شود.

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۱۷۰۲۰۲۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۸ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران (مجمع قضایی شهید بهشتی).

۲. دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۹۷۱۹۰۳۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۸ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
۳. همچنین است دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۲۱۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ صادره از شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در مقام استوار کردن دادنامه شماره ۶۳۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۱۷ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران. بنگرید به: (۱۴۰۴/۰۱/۰۲) واپسین بازدید).

<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/33077>

۴. بر اساس بند ۱۶ جدول شماره ۳ ضمیمه شماره یک آیین نامه اجرایی ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۷، اگر معترض شخص حقیقی باشد، مبلغ مقطوع خسارت احتمالی ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال و در صورتی که شخص حقوقی باشد، مبلغ مقطوع خسارت احتمالی ۴,۵۰۰,۰۰۰ ریال است.

۵. بر اساس قسمت اخیر این مقرر، از مبلغ سپرده شده در صورتی که معترض محکوم به بی حقی شود، خسارت معترض علیه پرداخت می شود و چنانچه معترض علیه بیش از مبلغ مذکور خسارت دیده باشد، برای مازاد به دادگاه مذکور رجوع خواهد کرد.

۶. البته با توجه به تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰، ابطال آیین نامه ها، بخش نامه ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه در دیوان عدالت اداری با مانع قانونی مواجه است.

۷. دلیل سلیقه ای عمل کردن نیز مشخص است؛ اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «قضات دادگاه ها مکلف اند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند...».

مسئله مهم دیگر، امکان‌سنجی اعتراض به تصمیمات هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی در دیوان عدالت اداری در موازات با دادگاه‌های دادگستری است؛ چراکه بر اساس بند دو ماده ۱۰ و تبصره ۱ ماده ۶۳ قانون دیوان عدالت اداری، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها در صلاحیت شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است. به نظر می‌رسد با توجه به تصریح قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ ق.ح.م.ص. مبنی بر رسیدگی کلیه اختلافات و دعاوی ناشی از اجرای قانون حمایت از مالکیت صنعتی و آیین‌نامه اجرایی آن در شعب مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری و همچنین تصریح به صلاحیت دادگاه‌ها در ماده ۵۹ ق.ث.ا.ط.ع. مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۱۷۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اخیرالذکر و رویه جاری و مسلم کنونی^۱، امکان اعتراض به تصمیمات هیئت در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری وجود ندارد.^۲

نتیجه‌گیری

بررسی تحلیلی ساختار و کارکرد «هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی» نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایران در مصوبه ۱۴۰۳ تلاش کرده است تا با الگوبرداری از تجارب فراملی و اصلاح نارسایی‌های پیشین، نظامی ویژه و تخصصی برای حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت صنعتی ارائه کند و بر ساختارمند کردن فرایند رسیدگی به اختلافات، افزایش تخصص و تسریع روند حل و فصل دعاوی در حوزه مهم و تأثیرگذار مالکیت صنعتی همت گماشته است. با این حال، چالش‌هایی همچون انتصاب مستقیم اعضای هیئت از سوی رئیس مرجع ثبت و فقدان روندی شفاف برای انتخاب، عزل یا تضمین استقلال اعضا، خطر تعارض منافع و پراکندگی رویه

۱. در دادنامه شماره ۱۳۰۲۲۸۵/۱۳۰۹۹۹۷۰۹۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۷ صادره از شعبه ۱۳ بدوی دیوان عدالت اداری، در زمان حکومت قانون قدیم، آمده است: «نظر به محتوای پرونده [به طرفیت اداره ثبت علائم تجاری (سازمان ثبت اسناد و املاک)] و مواد ۵۹، ۱۷۰ و ۱۷۲ [۱۷، ۲۹ و ۵۹] قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، اعتراض به تصمیمات مذکور در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است، بنابراین شکایت شاکی [اعتراض به تصمیمات کمیسیون ماده ۱۷۰ قانون ثبت اختراعات] قابل استماع در دیوان عدالت اداری نبوده، لهذا قرار رد شکایت وی صادر می‌گردد. قرار صادره قطعی است». بنگرید به: (۱۴۰۴/۱۰/۲) و اسپین بازید (۲۷۴۰/https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text

۲. ناگفته نماند که قانون‌گذار مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیمات «هیئت صدور پروانه بهره‌برداری اجباری اختراعات دفاعی» موضوع تبصره ۲ ماده ۴۰ ق.ح.م.ص. مصوب ۱۴۰۳ را شعبه ویژه‌ای در دیوان عدالت اداری که رئیس قوه قضائیه آن را تعیین می‌کند، قرار داده است و چون مهلت اعتراض در مقرر مذکور مسکوت مانده است، بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰ سه ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت مذکور خواهد بود.

در صورت تشکیل شعب متعدد، خلأ و ابهامات گوناگون در صلاحیت‌ها و آیین دادرسی هیئت از موانع تحقق کامل عدالت اداری و امنیت حقوقی محسوب می‌شوند. در نتیجه ضروری است، به منظور ارتقای جایگاه این مرجع اداری و تخصصی و تقویت مشروعیت، اقتدار و کارآمدی آن، اقدامات ذیل در دستور کار سیاست‌گذاران و قانون‌گذار به‌ویژه در تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون جدید قرار گیرد:

۱. طراحی قواعد روشن در خصوص انتصاب، عزل و دوره تصدی اعضای هیئت با تأکید بر استقلال فردی و نهادی و احراز دقیق شرایط تخصصی و اخلاقی در چهارچوب آیین‌نامه اجرایی قانون؛

۲. افزایش شفافیت نظام دادرسی با الزام به مستندسازی فرایندها و انتشار منظم آرای هیئت از طریق سامانه الکترونیک مالکیت صنعتی موضوع ماده ۱۳۶ ق.ح.م.ص. مصوب ۱۴۰۳؛

۳. پیش‌بینی شورای عالی یا نهادی مستقل برای تضمین وحدت رویه و پاسخ به اختلاف تفسیرهای ناشی از تعدد شعب از طریق صدور رأی وحدت رویه که برای شعب هیئت لازم‌الاتباع باشد؛

۴. ضروری است قلمرو صلاحیت‌ها، آیین دادرسی و شیوه رسیدگی به اعتراضات در هیئت به‌روشنی تعریف شوند. برای این منظور باید کارگروهی متشکل از حقوق‌دانان حوزه مالکیت فکری و آیین دادرسی تشکیل شود تا با توجه به مقررات ق.ح.م.ص. مصوب ۱۴۰۳ و اصول کلی دادرسی، مقررات ویژه‌ای را با عنوان «آیین دادرسی هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی» تدوین و تنظیم کند و نهایتاً در قالب آیین‌نامه اجرایی قانون به تصویب برسد.

مجموع این اقدامات ایران را در مسیر تثبیت نظامی پیشرو و کارآمد در مالکیت صنعتی قرار می‌دهد؛ جایگاهی که با اقتدار قانونی، شفافیت، تخصص و هم‌گرایی بین‌المللی می‌تواند پشتیبان اصلی توسعه علمی، فناوری و اقتصادی کشور باشد. از آنجایی که تاکنون آیین‌نامه اجرایی قانون جدید موضوع ماده ۱۴۹ تصویب نشده است، فرصت مغتنم خواهد بود که بسیاری از کاستی‌های قانون جدید در چهارچوب آیین‌نامه اجرایی برطرف شود و صلاحیت‌ها و آیین دادرسی هیئت در فصلی مستقل و مفصل به‌صورت یکجا و شفاف تنظیم شود تا چراغ راهی برای طرفین اختلاف و اعضای هیئت در رسیدگی‌های خود باشد.

منابع

۱. آزمندیان، محمدصادق؛ جواهری محمدی، حسین و افشار، زهره. (۱۴۰۳). شرح جامع قانون حمایت از مالکیت صنعتی، چاپ اول، تهران: دادبانان دانا.
۲. امامی، اسدالله. (۱۳۹۶). حقوق مالکیت صنعتی، چاپ دوم، تهران: میزان.
۳. امی، محمدحسن. (۱۴۰۰). مالکیت فکری در رویه قضایی ایران، جلد اول، علامت تجاری، چاپ دوم، تهران: میزان.
۴. توکلی، محمد مهدی. (۱۴۰۳). تحلیل و نقد مقررات ناظر بر دادرسی در قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ و مقایسه آن با عموماًت دادرسی مدنی، دو فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، دوره اول، شماره اول.
۵. حبیبی، سعید و ناظری، امیر. (۱۴۰۰). شخص صالح جهت طرح دعوی ابطال گواهی نامه اختراع، فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، دوره ۴، شماره ۱۳.
۶. حبیبی، سعید و شاکری، فرزانه. (۱۳۸۹). دادگاه‌های مالکیت فکری در کشورهای جنوب شرقی آسیا، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۳.
۷. خندانی، وحید. (۱۴۰۰). اصول راهبردی آیین دادرسی مدنی در حقوق ایران و انگلیس با دیباچه دکتر علی مهاجری، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۷). حقوق اداری، تهران: سمت.
۹. بدیع، فتحی. (۱۴۰۲). اسقاط حق شکایت از رأی: نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۸۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (۱۴۰۱/۱/۱۶)، مجله نقد و تحلیل آرای قضایی، دوره ۲، شماره ۲.
۱۰. فتحی، یونس؛ شفیعی سردشت، جعفر و وهیبی فخر، مریم. (۱۳۹۸). نظام مطلوب دادرسی اداری در ایران، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره اول.
۱۱. سیدین، علی و کارچانی، مهدی. (۱۴۰۳). قانون حمایت از مالکیت صنعتی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران: میزان.
۱۲. سیدین، علی و کارچانی، مهدی. (۱۴۰۰). حقوق مالکیت صنعتی در آیین اندیشه‌های قضایی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۳. شمس، عبدالله. (۱۳۹۶). دوره پیشرفته آیین دادرسی مدنی، جلد نخست، چاپ سی و هفتم، تهران: دراک.
۱۴. شمس، عبدالله. (۱۳۹۸). دوره پیشرفته آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ چهل و دوم، تهران: دراک.
۱۵. غمامی، مجید و محسنی، حسن. (۱۴۰۱). آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۶. محسنی، حسن. (۱۳۸۵). مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آن‌ها و چگونگی تمیز این اصول از تشریفات دادرسی، مجله کانون وکلا، شماره ۱۹۲.
۱۷. محسنی، حسن. (۱۴۰۳). صلاحیت، آیین دادرسی و دعاوی شعب مجتمع قضایی ویژه مالکیت فکری، دو فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، دوره اول، شماره اول.
۱۸. میرحسینی، سید حسن. (۱۳۹۷). حقوق علائم تجاری، چاپ سوم، تهران: میزان.
۱۹. نهرینی، فریدون. (۱۴۰۰). آیین دادرسی مدنی، جلد اول، بخش دوم، چاپ سوم، تهران: گنج دانش.
۲۰. هرمزی، خیرالله. (۱۴۰۱). استرداد دادخواست و دعوا (نقدی بر ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه)، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره نهم.

21. Cadiet, L., Normand, J., and Amrani Mekki, S. (2010). *Théorie générale du procès*. Presses Universitaires de France.

22. Duffy, J. F. (2009). *Are Administrative Patent Judges Unconstitutional?* The George Washington Law Review Vol. 77:904, 904-923.

23. Electronic Code of Federal Regulations (e-CFR): Title 37—Patents, Trademarks, and Copyrights
24. Guinchard, S., Chainais, C., and Delicostopoulos, C.-S. (2022). **Droit processuel: Droits fondamentaux du procès**, (11th ed.), Dalloz.
25. Intellectual Property and Communications Omnibus Reform Act of 1999 (Public Law No. 106-113), United States of America
26. Thomas, J. R. (2021). **Patent Adjudication in the United States**. In P. Goldstein & M. A. Lemley (Eds.), *The Cambridge Handbook of Patent Law* (pp. 37–39). Cambridge University Press.
27. 35 U.S. Code § 6 - Patent Trial and Appeal Board
28. 15 U.S. Code § 1067 - Interference, opposition, and proceedings for concurrent use registration or for cancellation; notice; Trademark Trial and Appeal Board
29. 5 U.S. Code § 3105 - Appointment of administrative law judges
30. 15 U.S. Code § 1062 – Publication.

